



doi: 10.30497/rc.2025.247578.2085



Received: 2025/01/22

Accepted: 2025/05/11

The performance pattern of "Qasetin" in confrontation with Amir al-Mu'minin Ali (peace be upon him) based on discourse analysis of organizational hostility reports

Meysam Motiee⁻
Morteza Soltani⁻

Abstract

Discourse analysis is one of the qualitative analysis methods that is very useful in the analysis of historical reports. In the issue of organizational hostility, using the discourse analysis method and especially the "Pedam" method, the existing historical reports in this field were analyzed and examined at three levels. Muawiyah bin Abis Sufyan, as the leader of the organizational hostility process, turned the land of Syria and the accessible areas into the birthplace and origin of the nasbi's of history and institutionalized their hatred in these Islamic regions. His efforts were mainly focused on three cultural, political and security fields; In the cultural field, the use of all-encompassing organizations of curses and curses, in the political field, oppressing the third caliph and showing Amir al-Mu'minin Ali, peace be upon him, as the killer of the caliph, and showing Shiaism in society as ugly And at the security level, pursuing and punishing Shiites and removing them from management positions, as well as imposing social restrictions on them with threats, bribery, and persuasion, have been his main strategies who implemented such strategies by using the three levers of corrupt agents, affiliated religious scholars, and well-known figures who were in opposition to Amir al-Mu'minin Ali (peace be upon him). Muawiyah's hostility organization was very extensive and comprehensive, and his efforts in educating generations of opponents against Ali (peace be upon him) took root throughout the era; So that he can be called the "founder of modern Salafism".

Keywords: Amir al-Mu'minin Ali (peace be upon him), Organizations, Hostility, Insults, Discourse analysis.

⁻ faculty member, imam sadiq university, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

m.mahmel@gmail.com

0000-0002-0532-777X

⁻ Ph.D student at Imam Sadegh University, Tehran, I.R.Iran.

mor.soltani@isu.ac.ir

0000-0001-7360-4903

الگوی عملکرد «قاسطین» در تقابل با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر مبنای تحلیل گفتمان گزارش‌های ناصبی‌گری تشکیلاتی

میثم مطیعی*

مرتضی سلطانی**

چکیده

ناصری اصطلاحی است که بر دشمنان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اطلاق دارد. دشمنی دیرینه بنی‌امیه با خاندان وحی در زمان معاویه بن ابی‌سفیان به اوج رسیده و دارای تشکیلات دامنه‌داری گردید. هرچند گزارش‌هایی پراکنده از لابه‌لای کتب تاریخ، ابعاد متنوعی از این موضوع را روشن می‌کند؛ اما برای درک بهتر آن لازم است تا زوایای پنهان و سازمان‌یافتگی آن تشکیلات کشف و تبیین گردد. در این موضوع از طریق روش تحلیل کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان و به شکل ویژه روش «پدام»، گزارش‌های تاریخی موجود در این زمینه در سه سطح، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. معاویه بن ابی‌سفیان به‌عنوان سردمدار جریان ناصبی‌گری تشکیلاتی، سرزمین شام و مناطق در دسترس را به مولد و خاستگاه ناصبیان تاریخ تبدیل و بغض ایشان را در این مناطق اسلامی نهادینه کرد. بررسی صورت گرفته نشان داد تلاش او عمدتاً در سه زمینه فرهنگی، سیاسی و امنیتی متمرکز بود؛ در زمینه فرهنگی استفاده از تشکیلات فراگیر سب و لعن، در زمینه سیاسی مظلوم‌سازی از خلیفه سوم و نشان دادن امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به‌عنوان قاتل خلیفه و قبیح نشان دادن شیعه‌گری در جامعه و در سطح امنیتی نیز به تعقیب و مجازات شیعیان و برکناری آنان از مناصب مدیریتی و نیز اعمال محدودیت‌های اجتماعی برای آنان با تهدید و تطمیع و تحمیق، عمده راهبردهای وی بوده که چنین راهبردهایی را با استفاده از سه اهرم کارگزاران جائر، علمای دینی وابسته و نیز چهره‌های مطرح و سرشناسی که در تقابل با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بودند، به ثمر نشاند. تشکیلات نصب معاویه از گستردگی و فراگیری بسیاری برخوردار بود و تلاش او در تربیت نسل‌های معاند علیه علی (علیه السلام) در طول دوران ریشه دواند؛ به‌طوری‌که می‌توان وی را «پایه‌گذار سلفی‌گری» نوین نامید.

واژگان کلیدی: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، تشکیلات، نصب، سب و شتم، معاویه بن ابی‌سفیان، تحلیل گفتمان.

* عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

m.mahmel@gmail.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mor.soltani@isu.ac.ir

مقدمه

در زمان کنونی و با ظهور و گسترش پدیده تکفیر و جریان‌های تکفیری در منطقه شام و دیگر مناطق از جهان اسلام که تقابل همه‌جانبه با تشیع را بنیان تفکرات خویش می‌دانند و نیز به جهت ضرورت تقابل عقیدتی، لازم است تا آبخور فکری این گروه‌ها در طول تاریخ رهگیری و تبیین گردد. معاویه با برافراختن پرچم تکفیر و نصب امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، مانعست عقاید گروه‌های تکفیری را پایه‌گذاری نمود و از آبخور کادرسازی فکری اوست که جریانات تکفیری او را به‌عنوان مجدد و احیاگر بنی‌امیه می‌شناسند. آنچه ضرورت انجام چنین پژوهشی را بیشتر نشان می‌دهد، ضرورت آگاهی‌بخشی در خصوص تقدیس و تطهیر معاویه‌ای است که برای تقابل با امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) لازم دید تا نصب ایشان را با تربیت نسلی معاند در شامات نهادیه و تثبیت نماید. در این میان اما کثرت فضایل و مناقب آن جناب به‌حدی بود که مخدوش‌سازی چهره ایشان نیاز داشت تا تخریب شخصیت ایشان را از دایره فردی فراتر برده، و در قالب تشکیلاتی وسیع و منسجم، نصب، سب، و لعن ایشان را فراگیر نموده و توسعه دهد. از لابه‌لای کتب سیره و تاریخ، تواتر معنوی گزارش‌های ناصبی‌گری تشکیلاتی که با دو ویژگی بسامد بالا و دیگری تنوع رویکرد قابل اثبات است، حاکی از سازماندهی ویژه‌ای است که تشکیلات نظام‌مند و هدفدار معاویه برای تخریب مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و خط‌ثقلین، با راهبردهای فرهنگی، سیاسی مختلفی در پیش گرفته بود. این پژوهش در صدد آن است تا با استفاده از روش تحلیل گفتمان، گزارش‌های موجود در این زمینه را تحلیل و بررسی نموده و الگوی چنین تشکیلاتی را به‌صورت دقیق و منسجم به‌عنوان خروجی ترسیم نماید؛ بنابراین پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از اینک:

- ۱- عمده مصادیق دال بر نصب تشکیلاتی دشمنان عصر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) کدامند؟
- ۲- از بررسی و گفتمان‌کاوی چنین گزارش‌هایی چه نتایج منسجمی حاصل می‌گردد؟

۳- الگوی نصب تشکیلاتی دشمنان علی (علیه‌السلام) چگونه بوده است؟

۱. چارچوب نظری

نصب از لحاظ لغوی به معنای عداوت و دشمنی (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص. ۱۳۵) و همچنین برپا کردن جنگ و دشمنی با دیگری است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص. ۱۴۸؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص. ۲۲۵). نواصب نیز، جمع ناصب است و به اذعان حتی اهل لغت به کسانی اطلاق می شود که دینداریشان بر مدار بغض علی (علیه السلام) است (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص. ۳۴۵؛ زمخشری، ۱۹۷۹م، ج ۱، ص. ۶۳۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۶۷۲). در اصطلاح نیز نصب به معنای عداوت و دشمنی و کینه ورزی با امام علی (علیه السلام) و دیگر امامان شیعه (علیهم السلام) است و ناصبی کسی است که با نکوهش امام علی (علیه السلام) ایشان را مورد جسارت قرار دهد (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص. ۳۷۰)؛ البته عنوان ناصبی فقط شامل جسارت کننده به امام علی (علیه السلام) نمی شود و دشمنی ورزیدن نسبت به سایر اهل بیت (علیهم السلام) نیز داخل در این عنوان می باشد (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۲۷۴). برخی بر این باورند که ریشه پیدایی نواصب را باید در جنگ نهروان و شکل گیری خوارج (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص. ۴۳۲) و پس از آن در بخشنامه های معاویه مبنی بر ایجاد تشکیلات سب و لعن حضرت علی (علیه السلام) جستجو کرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص. ۴۴). برخی نیز ریشه ناصبی گری را پس از قتل عثمان بیان کرده اند (کوثری، ۱۳۹۳)؛ اما تشکیلات نصب و معنای حقیقی آن، - همچنان که در ادامه خواهد آمد - توسط معاویه بن ابی سفیان پایه گذاری و تقویت شد. بر اساس بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ناصبی بهره ای از اسلام ندارد و از دایره اسلام خارج است. آن حضرت فرمود: دو گروه از امت من نصیبی در اسلام ندارند: آنکه با اهل بیت من به جنگ و دشمنی برخیزد، و آن کس که در دین غلو کند و از چهارچوب اصول آن خارج شود^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۴۰۸). سرانجام ناصبی براساس روایات اهل بیت (علیهم السلام) جهنم است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: برای دشمن ما اهل بیت تفاوتی نمی کند که روزه بدارد و نماز بخواند یا اینکه زنا و دزدی کند؛ زیرا او بی گمان در دوزخ است؛ بی گمان در دوزخ است! (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، صص. ۲۱۰-۲۱۱).

۱. قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي لَا نَصِيبَ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ النَّاصِبُ لِأَهْلِ بَيْتِي حَرَبًا وَغَالٍ فِي الدِّينِ مَارِقٌ مِنْهُ.

۲. پیشینه پژوهش

در این موضوع با طیف وسیعی از منابع مواجه نیستیم و از طرفی آثاری که با نگاهی روشمند و به روز به تحلیل وقایع و گزارش‌های تاریخی پرداخته باشند، بسیار اندک است. به صورت عمومی اما در موضوع نصب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- بررسی ریشه‌های تاریخی ناصبی‌گری، کوثری، احمد، نشریه سراج منیر، زمستان ۱۳۹۳ش، (۱۶). احمد کوثری ریشه‌های مسئله نصب را بعد از قتل عثمان دانسته که با تشکیل جریان عثمانیه شدت یافته و در زمان معاویه بن ابی‌سفیان به رسمیت شناخته شده است. وی معتقد است این پدیده در ابتدا با سب و لعن علنی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) آغاز و فرقه‌های بعدی برآمده از آن از این آبشخور فکری تغذیه می‌شده‌اند.

۲- معناشناسی ناصبی‌گری، با تأکید بر متون امامیه تا قرن هفتم: مجتهدی، مهدی، نشریه امامت‌پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۹۳، (۱۳ و ۱۴). در این اثر نویسنده می‌کوشد تا نشان دهد مفهوم نصب و ناصبی‌ابتدا در فرهنگ شیعی کاربرد داشته و به احتمال زیاد از قرن هفتم به بعد به متون اهل سنت راه یافته است.^۲ وی با تقسیم نصب به مفهوم عام و خاص نشان می‌دهد که مفهوم عام آن مترادف با مخالف، شکاک و مستضعف است و بیشتر به تلقی عامیانه در فضای منازعات فرقه‌ای و سیاسی شباهت دارد. مفهوم خاص آن نیز رنگ و بویی فقهی داشته که به ابراز خصومت و برپایی جنگ بر ضد امامان معصوم (علیهم‌السلام) تعبیر می‌شود. نیز مؤلف نتیجه می‌گیرد عناوین احکام فقهی مطرح درباره ناصبیان گویای آن است که شیعیان در تعاملات روزمره خود با این مسئله مواجه بوده و این موضوع حاکی از حضور افرادی با رویکرد ناصبی‌گری در جامعه بوده است.

۳- تحلیل گفتمان نامه دهم نهج‌البلاغه بر اساس الگوی فرکلاف: ذکایی و دیگران، ادب عربی، تیر ۱۳۹۹، ۱۲(۲). در این مقاله نویسندگان برآنند تا نامه دهم نهج‌البلاغه را بر مبنای الگوی گفتمان انتقادی مورد بررسی قرار دهند. چالش‌های ایدئولوژیک برخاسته از اختلافات اسلام و جاهلیت در ادبیات و گفتارها (استعاره، ضمیر و موسیقی و...) و

۲. البته «این سیده» لغوی معروف اهل سنت، متوفای ۴۵۸، واژه ناصبی و معنای دال بر دشمنی علی (علیه‌السلام) را در کتاب خود «المحکم و المحيط الأعظم» آورده است (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص. ۳۴۵).

ساختارهای قدرت و سلطه از طریق بلاغت و زبان و بینامتنی در این اثر مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی (علیه السلام) به معاویه: صفایی و سلطانی، جستارهای زبانی، ۱۳۹۵، (۷). نویسندگان در این اثر لایه‌های مختلف زبانی در نامه ۲۸ نهج البلاغه را که در اصل گفتمان مشروعیت علی (علیه السلام) در مقابل معاویه است مورد بررسی قرار داده‌اند. گزینش‌های مختلف زبانی مورد بررسی قرار می‌دهند. در این نوشتار با به‌کارگیری گرامر هالییدی، نامه ایشان از سه فرانش اندیشگانی، میان‌فردی و متنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵- تحلیل گفتمانی بیعت در نامه‌های حضرت علی (علیه السلام) و معاویه بر پایه نظریه مدیریت هماهنگ معنا، بشیر، حسن، پژوهش‌های نهج البلاغه، پاییز ۱۳۹۸. نویسنده در این مقاله با روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام و بر پایه نظریه مزبور، مفهوم بیعت را مورد تحلیل قرار داده است. سه گفتمان بیعت، قتل عثمان و جنگ، گفتمان‌های اساسی نامه‌های علی (علیه السلام) با معاویه در موضوع بیعت است. رویکرد جامعه‌شناسی گفتمانی و روان‌شناسی گفتمانی نیز دو رویکرد اساسی نامه‌های رد و بدل شده امام و معاویه را نشان می‌دهد.

۶- مقاله گفتمان‌کاوی جریان‌های نفوذ فکری - فرهنگی دشمنان در عصر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، مطیعی و دیگران، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دی‌ماه ۱۳۹۹، ۱۷(۴). در این مقاله نویسندگان به مسئله نفوذ در دوران امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پرداخته و سیر تحقق نفوذ فکری فرهنگی مخالفان علی (علیه السلام) را با بررسی گفتمانی گزارش‌های مورد بررسی قرار داده‌اند. دشمنان علی (علیه السلام) (ناکثین، قاسطین و مارقین) با هیاهوی سیاسی، هجمه تبلیغاتی، موج‌آفرینی و... فضای جامعه را برای نبرد جمل، صفین و نهروان آماده ساخته و اسقاط حکومت علی (علیه السلام) را بر این اساس مهندسی کرده بودند.

۳. روش پژوهش

پژوهشگران علوم ارتباطات از آغاز قرن بیستم مسئله کشف فرامتن و واکاوی

ناگفته‌های پنهان را به مثابه ابزاری برای واکاوی متن در عرصه علوم انسانی و اجتماعی بنیان نهادند که نام آن روش تحلیل گفتمان است (مک‌دانل، ۱۳۸۰، ص. ۱۶). بدین ترتیب تحلیل گفتمان به معنای کشف معانی ظاهری و باطنی جریان‌های گفتمانی مستتر در متن است که در شکل‌های گوناگون زبان و فرازبان آشکار می‌شوند (بشیر، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۸). به عبارتی این روش نوعی تحلیل کیفی است که محقق بدون مشاهده مستقیم رفتار و بدون اینکه در مورد آنها پرسش کند، به تحلیل دست می‌زند (ازکیا، احمدرش و پارتازیان، ۱۳۹۶، ص. ۶۲۵).

افراد مختلفی از جمله «ون‌دایک»، «لاکلا و موفه» و مهم‌تر از همه «نورمن فرکلاف» تکنیک‌های مختلفی برای تحلیل گفتمان معرفی کرده‌اند که در عمده آنها به سه بخش توصیف متن (دریافت ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی استعاره‌ها، قراردادهای تعاملی از کلمات) تفسیر متن (ترکیب محتویات متن و ذهنیت مفسر که همان دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد و چهار سطح فهم ظاهر کلام، معنای کلام، انسجام موضعی و ساختار و جان‌مایه‌های متن را داراست) و تبیین متن (فهم شالوده ساختار اجتماعی متن) تقسیم کرده‌اند (فرکلاف، ۱۳۷۹، صص. ۱۷۰-۲۴۷). نکته حائز توجه آن است که صرف مراجعه به کتب تاریخی که تنها به نقل حوادث بدون توجه به جریانات سیاسی و جایگاه فرهنگی اجتماعی آنها پرداخته مفید نیست و آگاهی از بافت فرهنگی اجتماعی حوادث برای تحلیل گفتمان لازم است.

در این پژوهش اما از تکنیک «پدام» حسن بشیر استفاده شده که به بازسازی متن بر اساس عناصری چون زمان و مکان، اندیشه، سیاست، فرهنگ و گرایش‌های فردی و اجتماعی می‌پردازد و برای خواننده و مخاطب متن، هم‌تراز نویسنده آن اثر قائل است. این روش، شیوه‌ای از درک و فهم متن، زمینه و فرامتن است که همچون روش‌های کمی نوعی از عینیت را بازنمایی می‌کند تا ارتباط معنایی وثیق‌تری میان محتوا و فهم ایجاد نماید. روش پدام نیز سه مرحله توصیف و تفسیر و تبیین را داراست با این تفاوت که در مرحله توصیف به سه سطح تحلیلی سطح - سطح، عمق - سطح، و سطح - عمق پرداخته و دو مرحله تفسیر و تبیین به نام سطوح «عمیق» و «عمیق‌تر» معرفی شده‌اند (بشیر، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۱).

عمیق تر	عمیق	سطح - عمق	عمق - سطح	سطح - سطح
تحلیل فراگفتمان‌های بین متنی	تحلیل بینامتنیت ذهنی تحلیلگر و بینامتنیت‌های مرتبط	تحلیل توجیهی با توجه به دیگر گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از اصل متن

این روش که شیوه‌ای از درک و فهم متن، زمینه و فرامتن است باید به‌گونه‌ای طراحی شود که بتواند همچون روش‌های کمی، نوعی از عینیت را بازنمایی کند که البته خروج از ذهنیت به معنای فقدان توجه به معناهای انتزاعی و ذهنی در فرایند تحلیل نیست؛ اما فرایند علم‌یاتی در این روش باید از عینیت بیش از ذهنیت برخوردار باشد تا ارتباط معنایی وثیق‌تری میان محتوا و فهم ایجاد کند.

۴. گفتمان کاوی نصب تشکیلاتی در گزارش‌های تاریخی عصر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)
با توجه به توضیحات فوق در تبیین روش پژوهش، اینک در ادامه مقاله و با الهام‌گیری از آن روش، به بررسی گزارش‌های تاریخی مربوط به آن پرداخته و در ۳ مرحله تحلیل و بررسی می‌گردد. به عبارتی ۶۶ گزارش از گزارش‌هایی که حاوی مضامین نصب تشکیلاتی بوده جهت تحلیل عمیق‌تر و کشف معانی لایه‌های پنهان، ضمن جداول مختلف بازتاب و تحلیل شده است.^۳

۴-۱. مرحله توصیف؛ شناسایی جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های متن

مقصود از مرحله اول (سطح - سطح) برداشت از اصل متن است و به معنای انتخاب آگاهانه متون هدفدار برای تأمین رابطه معنا و هدف است. در این مرحله باید دو کار اصلی صورت گیرد: قرائت کل متن و ایجاد شناخت ذهنی کافی و دیگری انتخاب متون هدفدار برای تحلیل‌های بعدی که رابطه مشخصی را میان معنا و هدف تحلیل ایجاد می‌کند (بشیر، ۱۳۹۱ش، ج ۲، ص. ۱۳).

مرحله دوم (عمق - سطح) کشف معانی فراتر از معنای تحت‌اللفظی متون انتخاب شده است این سطح از تحلیل به نام «جهت‌گیری و گرایش متن» نام‌گذاری شده است تا مهم‌ترین و برجسته‌ترین معنایی را که بر اساس گرایش کلی متن بر می‌آید را کشف

۳. جهت اطلاع بیشتر نک: مطیعی، ۱۴۰۲.

کند (بشیر، ۱۳۹۱ش، ج ۲، ص ۱۳). مرحله سوم تحلیل (سطح - عمق) تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن است و مقصود از آن، کشف معناهای ممکن متن با توجه به سایر متون موجود در متن و کشف رابطه معنایی در کل متن است (بشیر، ۱۳۹۱ش، ج ۲، ص ۱۴). در اینجا نیز گزارش‌های ناصبی‌گری تشکیلاتی که از لابه‌لای متون تاریخی و جوامع حدیثی گردآوری شده، در هر سه مرحله تحلیل خواهد شد. اینک به مرحله اول تحلیل می‌پردازیم:

جدول (۱): شناسایی جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های متن

ردیف	برداشت از متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
۱	معاویه از ابتدا با علی (علیه‌السلام) دشمنی داشت ^۴ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۳۹). او در نامه‌ای به کارگزاران خویش نوشت که هرکس چیزی از فضیلت‌های ابوتراب و خاندان او را نقل کند، هر کاری با او کردید جایز است.	ممانعت از نقل فضایل علی (علیه‌السلام)	تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام)
۲	اخبار ساختگی در فضایل صحابه و در مذمت علی (علیه‌السلام) به مکتب‌خانه‌ها راه یافت و به کودکان نیز آموزش داده می‌شد. این روایات جعلی آن‌قدر رواج یافته که به نسل‌های بعدی رسید و آنان این‌گونه روایات را راست و حق پنداشتند ^۵ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، صص ۴۵-۴۴).	گسترش ساخت اخبار جعلی	واقع‌سازی اخبار جعلی
۳	معاویه حقد و بغضی را که از علی (علیه‌السلام) داشت به قلوب سایرین نیز	راهبرد تهدید و تطمیع برای تخریب	تلاش بر محوکردن نام علی (علیه‌السلام) در

۴. و كان معاوية علي أس الدّهر ميغضا لعلی (علیه‌السلام) شديد الانحراف عنه.

۵. ألقى إلي معلمی الكتابیب فعلموا صبيانهم و غلمانهم من ذلك الكثير الواسع حتی رووه و تعلموه كما يتعلمون القرآن و حتی علموه بناتهم و نساءهم و خدمهم و حشمهم فلبثوا بذلك ما شاء الله.

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	منتقل کرد و با تهدید و تطمیع این راهبرد خویش را پیش برد (محمد بن عقیل، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص. ۹۲).		جامعه
۴	با بخشنامه معاویه خطباء در هر منطقه و بر هر منبری خصوصاً در منابر نماز جمعه ^۶ ، امام علی (علیه السلام) را لعن کرده و از او بی‌زاری می‌جستند و به او و اهل بیت آن حضرت دشنام می‌دادند ^۷ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص. ۴۴).	لعن شخصیت علی (علیه السلام) در خطبه‌های نماز جمعه	تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۵	معاویه خود همواره علی (علیه السلام) را شتم نموده و به آن حضرت اهانت می‌کرد (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص. ۳۶۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۳۴۰).	شتم علی (علیه السلام) توسط شخص معاویه	نشان دادن قاطعیت بیشتر در تخریب علی (علیه السلام)
۶	معاویه به سعد بن ابی وقاص امر کرد که علی (علیه السلام) را سب نماید؛ اما او به دلیل آیه مباحله و همچنین روایاتی که در فضایل علی (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیده بود (مانند	عدم لعن علی (علیه السلام) مایه تعجب	فریب بزرگان صحابه در نصب علی (علیه السلام)

۶. ابن سنان خفاجی شعری زیبا در رابطه با لعن کردن علی امیرالمؤمنین روی منابر دارد: أَعْلَى الْمَنَابِرِ تُعَلِّنُونَ بِسَبِّهِ وَبِسَيْفِهِ نَصَبْتُمْ لَكُمْ أَعْوَادَهَا؛ آیا بر فراز منبرها علی را بد می‌گویید؟ با آن که با شمشیر او ستون همین منبرها بر افراشته شد! (سید بن طاووس، ۱۳۴۸، صص. ۱۸۷-۱۸۸).

۷. مردم کوفه در این شرایط سخت‌ترین اوضاع را داشتند؛ زیرا شیعیان حضرت علی (علیه السلام) در کوفه از هر جای دیگر بیشتر بودند؛ معاویه نیز زیاد بن ابیه را که بر بصره حکومت می‌کرد با حفظ سمت به حکمرانی کوفه گماشت. از آنجایی که زیاد در زمان خلافت علی (علیه السلام) از طرفداران آن حضرت بود، شیعیان را می‌شناخت. هر جا که بودند آنان را می‌یافت و می‌کشت؛ دست‌ها و پاها را جدا کرده و چشم‌ها را کور می‌نمود؛ و شیعیان را بر تنه‌های درخت خرما به دار می‌کشید؛ یا از عراق بیرون می‌کرد؛ تا جایی که کسی از شیعیان معروف و شناخته‌شده در عراق باقی نماند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص. ۴۴).

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	حدیث منزلت و حدیث رایت)، حاضر به این کار نشد (مسلم، بی‌تا، ج ۷، ص. ۱۲۰؛ ترمذی، ۱۹۹۸م، ج ۶، ص. ۸۳؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۱۱۱؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۶۰۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۶۲۷؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۳۳۹). ^۸		
۷	احنف بن قیس در مجلسی پس از شنیدن سخنان آن مردی که علی (علیه‌السلام) را لعن می‌کرد به معاویه گفت: «ای معاویه! اگر این مرد بداند که تو با لعن پیامبران خشنود می‌شوی، هرآینه این کار را خواهد کرد؟! از خدا پروا کن و دست از علی (علیه‌السلام) بردار!» (ابن‌عبدربه، ۱۴۰۴ق، ج ۴، صص. ۱۱۳-۱۱۴).	خودداری برخی شخصیت‌ها از لعن علی (علیه‌السلام)	خاضع ساختن شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی
۸	در زمان بنی‌امیه مردی از آل مروان بر مدینه حاکم بود که سهل بن سعد صحابی پیامبر را فراخوانده و او را امر کرد که علی (علیه‌السلام) را شتم نماید (مسلم، بی‌تا، ج ۷، ص. ۱۲۴).	راهبرد تهدید بزرگان صحابه در لعن ایشان	تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام) توسط کارگزاران معاویه

۸. به‌رغم تلاش‌های برخی از دانشمندان مکتب خلفا مانند نووی در شرح صحیح مسلم، معاویه به‌هیچ‌وجه از اتهام سب و اهانت و طعن امیرالمؤمنین تبرئه نمی‌شود و اصلاً نمی‌توان در سند این دست روایات تشکیک کرد. این روایت در صحیح مسلم آمده که به‌زعم دانشمندان اهل سنت نقص و خللی در آن راه نداشته و روایات آن را صحیح می‌دانند. وقتی در سند این‌گونه روایات نمی‌توان تشکیک کرد، امثال نووی به تأویل این روایت روی آورده‌اند تا معاویه را از این اتهام تبرئه کنند. جای بسی تأسف است که وی تأویل را در آیات قرآن کریم روا نمی‌دانند، ولی برای نجات معاویه از این‌گونه اعمال دست به تأویل می‌زند. او در شرح این روایت امر معاویه به سعد بن ابی‌وقاص را به گفتار معاویه به سعد تغییر داده است (نووی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۵، صص. ۱۷۵-۱۷۶).

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
۹	<p>آن حضرت در خطبه‌ای به اصحاب خویش فرمود: آگاه باشید پس از من مردی با گلویی گشاده و شکمی بزرگ بر شما مسلط خواهد شد... به زودی معاویه شما را به بی‌زاری و بدگویی من وادار می‌کند. بدگویی را به هنگام اجبار دشمن اجازه می‌دهم که مایه بلندی درجات من و نجات شماست؛ اما هرگز در دل از من بی‌زاری نجوید... (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خ ۵۷، ص. ۹۲).</p>	<p>پیش‌بینی حضرت از ظهور شخصیت معاویه</p>	<p>رخصت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به تقیه، در مواقع سخت آینده</p>
۱۰	<p>علی (علیه السلام) به میثم تمار فرمودند: هنگامی که عبیدالله بن زیاد تو را به براءت از من بخواند چه خواهی کرد؟ میثم در پاسخ به آن حضرت عرض کرد: به خدا قسم از تو براءت نخواهم جست. آن حضرت فرمود: او تو را خواهد کشت و به درخت خواهد آویخت. گفت: صبر خواهم کرد و این در راه خدا اندک است. آن حضرت به میثم فرمود: تو به این خاطر در بهشت همراه من خواهی بود (کشی، ۱۴۰۹ق، ص. ۸۳).</p>	<p>پیش‌بینی امام علی (علیه السلام) به برخی از یاران از جبر لعن تشکیلاتی معاویه</p>	<p>رخصت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به تقیه، در مواقع سخت آینده</p>
۱۱	<p>معاویه مردم عراق و شام را به سب علی (علیه السلام) و بی‌زاری جستن از او امر کرد و در آخر خطبه نمازهای جمعه علی (علیه السلام) را منحرف‌کننده دین و مسدودکننده راه الهی معرفی می‌نمود و به شدیدترین وجهی او را لعنت کرده و از</p>	<p>راهبرد تهدید در دشمنی</p>	<p>تلاش برای محو نام علی (علیه السلام)</p>

ردیف	برداشت از متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	خداوند برای او عذاب دردناک طلب می‌کرد... (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۵۶).		
۱۲	معاویه گروهی از صحابه و تابعین را گماشته بود تا برای تنقیص آن حضرت، روایات و احادیث ساخته و حقوقی هم برای آنان مقرر کرد که از جمله این افراد می‌توان به ابوهیره، عمرو بن عاص و مغیره بن شعبه از طبقه صحابه و عروة بن زبیر از طبقه تابعان اشاره کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۶۳).	گسترش اخبار جعلی از طریق چهره‌های سرشناس جامعه	واقع‌سازی اخبار جعلی
۱۳	زهری از عروة بن زبیر از خاله‌اش عایشه اشاره کرد که براساس آن هنگامی که عایشه نزد رسول خدا بوده است، عباس بن عبدالمطلب و امام علی (علیه‌السلام) بر رسول خدا وارد می‌شوند و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به عایشه می‌فرماید: ای عایشه! این دو نفر در حالی که بر غیرملت و دین من هستند از دنیا می‌روند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۶۴). نیز عایشه به عروه بن زبیر گفت: وقتی عباس و علی (علیه‌السلام) وارد شدند، رسول خدا به من فرمود: ای عایشه! اگر دوست داری به دو نفر از اهل آتش بنگری به این دو نفر نگاه کن	نفرت‌پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با اتهام انحراف دینی	تخریب چهره امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با استفاده از چهره‌های مخالف ایشان (عایشه و عروة بن زبیر)

۹. أن معاوية كان يقول في آخر خطبة الجمعة: اللهم إن أبا تراب ألد في دينك و صد عن سبيلك فالعنه لعنا و بسبلا و عذبه عذاباً أليماً.

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از متن	ردیف
<p>تخریب چهره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با استفاده از چهره‌های مخالف ایشان (عمر بن ثابت)</p>	<p>نفرت‌پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با اتهام انحراف دینی</p>	<p>(ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۶۴). در زمان معاویه عمر بن ثابت برادر زید بن ثابت، در شام از این آبادی به آن آبادی حرکت می‌کرد و به هر روستایی که می‌رسید، مردم را جمع کرده و برای آنان صحبت می‌کرد و می‌گفت: ای مردم! علی بن ابی‌طالب مردی منافق بود و او بود که می‌خواست در عقبه، شتر پیامبر را رم داده و ایشان را از کوه به پایین پرتاب کند و به قتل رساند؛ پس او را لعنت کنید. مردم نیز آن حضرت را لعن می‌کردند. او از آنجا بیرون می‌رفت و در آبادی دیگری کار خود را به همین شکل ادامه می‌داد (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۲، صص. ۵۸۱-۵۸۲).</p>	۱۴
<p>تخریب چهره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با استفاده از چهره‌های مخالف ایشان (حریر بن عثمان)</p>	<p>نفرت‌پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) با اتهام انحراف دینی</p>	<p>حریر بن عثمان شامی از افرادی بود که پیوسته نسبت به علی (علیه السلام) بدگویی کرده و آن حضرت را روی منابر لعن می‌کرد (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص. ۱۲۳). او به اسماعیل بن عیاش گفت: روایتی که برای مردم نقل می‌شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: جایگاه تو نسبت به من مانند جایگاه هارون نسبت به موسی (علیهما السلام) است، سند این روایت درست است؛ اما شنونده اشتباه کرده است! اسماعیل بن عیاش می‌گوید به او گفتم درست آن چیست؟ گفت: پیامبر فرموده: جایگاه تو نسبت به من</p>	۱۵

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از متن	ردیف
		مانند جایگاه قارون نسبت به موسی است نه هارون! راوی می‌گوید به او گفتم این را از چه کسی نقل می‌کنی؟ گفت: این را از ولید بن عبدالملک شنیده‌ام که آن را بالای منبر می‌گفت! (خطیب بغدادی، بی‌تا، ج ۸، ص. ۲۶۲؛ مزّی، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص. ۵۷۷).	
تخریب چهره امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با استفاده از چهره‌های مخالف ایشان (خالد بن ولید)	- نفرت‌پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با اتهام انحراف دینی - مقاومت جامعه اسلامی مانع معاویه در نصب تشکلاتی	خالد بن ولید در روز جمعه بر روی منبر رسول خدا ایستاده و گفت: رسول خدا علی بن ابی‌طالب را به‌کار گمارد با این که می‌دانست او خائن است؛ اما دخترش فاطمه واسطه او برای این کار شد. پس از نقل این روایت، مردم به خالد بن ولید اعتراض کرده و پیراهنش را پاره نمودند (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص. ۱۸۲؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، صص. ۳۵۸-۳۵۹).	۱۶
تخریب چهره امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با استفاده از چهره‌های مخالف ایشان (ابوهریره)	نفرت‌پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با اتهام انحراف دینی	ابوهریره در سفری همراه با معاویه به عراق آمد، هنگامی که جمعیت زیاد استقبال‌کننده از خویش را دید، دو زانو روی زمین نشست و سپس چند بار دست بر سر بی‌موی خویش کشیده و گفت: ای اهل عراق؛ آیا گمان دارید که من به خدا و رسول خدا دروغ می‌بندم و خود را با آتش می‌سوزانم؟ قسم به خدا از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شنیدم که می‌فرمود: هر پیامبری حرمی دارد و حرم من مدینه است؛ از بین منطقه غیر تا ثور. هرکس که در آن سبب بروز فاجعه شود لعنت خداوند ملائکه و همه مردمان بر او باد؛ و	۱۷

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
	خدا را شاهد می گیرم که در مدینه، علی بن ابی طالب سبب بروز فاجعه شده است! وقتی که این خبر به معاویه رسید، به او جایزه داده و او را گرامی داشته و حاکم بر مدینه قرار داد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۶۷).		
۱۸	امام علی بن الحسین (علیه السلام)، در روایتی به تقرب جستن بعضی از مردم به دشمنان اهل بیت با اهانت کردن به حضرت علی (علیه السلام) اشاره نموده وضعیت زمان خود را با زندگی بنی اسرائیل در زمان فرعون مقایسه نمودند (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۱۷۰؛ طبری، ۱۳۵۸ق، ج ۱، ص. ۱۲۰؛ مزنی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰، صص. ۳۹۹-۴۰۰).	راهبرد تطمیع	تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۱۹	وقتی عبدالله بن هانی به حجاج بن یوسف ثقفی خبر داد که ما عادت داریم وقتی علی (علیه السلام) را دشنام می دهیم، دو فرزند او و همسرش فاطمه را نیز به لعن خود اضافه می کنیم، حجاج این کار را تحسین کرده و گفت: به خدا سوگند که این منقبتی است (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۱۴۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۶۱).	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با اتهام انحراف دینی	تخریب چهره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با استفاده از چهره های مخالف ایشان (عبدالله بن هانی)
۲۰	زیاد بن ابیه یاران حضرت را به زور و اکراه به لعن و اهانت به حضرت امیرالمؤمنین وا می داشت. در یکی از این موارد زیاد بن ابیه به «صیفی بن فسیل» که از یاران حجر بن عدی بود، گفت: درباره علی چه می گویی؟ صیفی در پاسخ گفت: بهترین سخنی را	- نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با راهبرد اتهام انحراف دینی - راهبرد تهدید	تخریب چهره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با استفاده از چهره های مخالف ایشان (زیاد بن ابیه)

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از متن	ردیف
	<p>- خاضع ساختن شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (صیفی بن فسیل) (فسیل)</p>	<p>خواهم گفت که درباره یکی از بندگان مؤمن خدا می‌گویم، درباره او همان چیزی را می‌گویم که تو قبل از گمراهی‌ات درباره‌اش می‌گفتی. بعد از این ابراز عقیده صیفی بن فسیل، زیاد دستور داد تا به شدت او را بزنند و بعد دوباره از او پرسید که درباره علی (علیه‌السلام) چه می‌گویی؟ او گفت: «به خدا، اگر با تیغ‌ها و کاردها پاره پاره کنی جز آنچه شنیدی نخواهم گفت» گفت: «باید او را لعن کنی و گرنه گردنت را می‌زنم» او گفت: «اگر اصرار داشته باشی که گردنم را بزنی به کار خدا راضی‌ام اما تو سیاه بخت می‌شوی» زیاد بن ابیه سپس دستور داد تا او را به بند آهنین کشیده و به زندان بیاورند (بلادری، ۱۴۰۰ق، ج ۵، صص. ۲۵۱-۲۵۲؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، صص. ۲۶۶-۲۶۷).</p>	
<p>تخریب چهره امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با استفاده از چهره‌های مخالف ایشان (عبیدالله بن زیاد)</p>	<p>- نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با راهبرد اتهام انحراف دینی - خاضع ساختن شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (میثم تمار)</p>	<p>عبیدالله بن زیاد نیز مانند پدرش اصحاب و یاران امام علی (علیه‌السلام) را مجبور به اهانت به آن حضرت می‌نمود. هنگامی که او در سال ۶۱ به حکومت کوفه رسید، میثم تمار را به برائت جستن از آن حضرت و عیب‌گویی از ایشان فرمان داد و او را تهدید کرد اگر قبول نکند، دو دست و دو پای او را قطع خواهد کرد. بعد از آنکه میثم از امیرالمؤمنین اظهار برائت نکرد، عبیدالله علاوه بر دست‌ها و پاهای او، مجبور شد زبان او را نیز قطع کند تا میثم با گفتن فضایل</p>	<p>۲۱</p>

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
	امیرالمؤمنین ذهنیت مردم را تغییر ندهد (کَشّی، ۱۴۰۹ اقف صص. ۸۳-۸۷).		
۲۲	عبدالله بن زیاد، رُشید هجری یکی دیگر از یاران امیرالمؤمنین را به اهانت به آن حضرت وا داشت و به او گفت از دروغ های علی برای من بگو. وقتی که رشید زیر بار نرفت، او را نیز به دست جلاد سپرده و به طرز فجیعی به شهادت رساند (کَشّی، ۱۴۰۹ اقف، ص. ۷۷).	- خاضع ساختن شخصیت های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (رُشید هجری) - نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با راهبرد اتهام انحراف دینی	تهدید مردم، راهبرد دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) برای تخریب شخصیت علی (علیه السلام) و مقاومت جامعه اسلامی در مقابل تخریب
۲۳	معاویه عقیل بن ابی طالب را مجبور به لعن علی (علیه السلام) کرد. عقیل بعد از حمد و ثنای الهی گفت: ای مردم! معاویه به من دستور داده است که علی بن ابی طالب را لعنت کنم! پس او را لعنت کنید ... (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴ اقف، ج ۴، ص. ۱۱۴).	- نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با راهبرد اتهام انحراف دینی - خاضع ساختن شخصیت های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) با راهبرد اتهام انحراف دینی - خاضع ساختن	تخریب شخصیت علی (علیه السلام)

ردیف	برداشت از متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
		شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ تشکلاتی (عقیل بن ابی طالب)	
۲۴	حجر بن قیس مَدَری نیز وقتی مجبور به بدگویی شد با تیزهوشی لعنت را به عامل خلیفه برگرداند و گفت: امیر احمد بن ابراهیم به من دستور داده که علی (علیه‌السلام) را لعنت کنم پس او را لعنت کنید که لعنت خدا بر او باد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۳۹۰).	معاویه در نصب تشکلاتی (حجر بن قیس مَدَری)	تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام)
۲۵	ثابت بن عبدالله بن زبیر، وقتی توسط هشام بن اسماعیل (یکی از والیان بنی‌امیه) به لعن و سب آن حضرت وادار شد، با لطایف الحیلی خود را خلاص کرد و به جای ناسزا گفتن به حضرت علی (علیه‌السلام)، قاتلان عثمان و دیگران را لعنت کرد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص. ۴۵۰).	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با راهبرد اتهام انحراف دینی خاضع ساختن شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (ثابت بن عبدالله بن زبیر)	تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام)
۲۶	روزی ابن عباس به معاویه گفت که آیا دست از شتم علی علیه‌السلام بر نمی‌داری؟ معاویه در پاسخ گفت: پیوسته به این کار	اعتراف معاویه به تربیتی نسلی معاند علیه علی (علیه‌السلام)	کادرسازی در جهت نصب تشکیلاتی

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
	ادامه می دهیم تا اینکه کودکان بر این کار بزرگ شوند و بزرگان پیر گردند. در زمانی که عمر بن عبدالعزیز به حکومت رسید و از شتم علی (علیه السلام) جلوگیری، مردم گفتند سنت ترک شد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص. ۲۲۲ و ج ۴، ص. ۵۷).	- اغتراض شخصیت های جامعه اسلامی به نصب تشکیلاتی (ابن عباس)	
۲۷	بسیاری از افرادی که با او بودند از جمله برخی تابعان، در محیط نصب و عداوت با علی (علیه السلام) به دنیا آمده و پرورش یافتند (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص. ۱۲۸).	- تربیت مردم با عادت مطلوب معاویه - معاویه طلایه دار سب و لعن	موفقیت معاویه در همراه سازی توده تابعان
۲۸	ابن عباس روزی از کنار گروهی عبور می کرد که علی (علیه السلام) را سب می کردند؛ او برای آنها حدیثی از پیامبر نقل کرد که سب علی (علیه السلام) سب کننده خدای متعال و پیامبر اکرم است و هر کسی که خداوند را سب کند کافر گشته است ^{۱۱} (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، صص. ۲۲۱-۲۲۲).	- سب دسته جمعی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) - تبیین و مقاومت چهره های جامعه اسلامی	تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۲۹	معاویه چنان مردم را بر این عادت زشت پرورش داد تا جایی که هرگاه فردی از بنی امیه از جایش بلند می شد، امام علی (علیه السلام) را لعن می کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵۰، ص. ۹۶).	تربیت مردم با عادت مطلوب معاویه	تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۳۰	اگر کسی حدیثی از فضایل آن حضرت نقل می کرد به او هجوم آورده، او را از جایش	تربیت مردم با عادت مطلوب معاویه	گره زدن لعن با عادات جهت نهادینه شدن و

۱۱. قال سمعت رسول الله يقول: من سب عليا فقد سبني و من سبني فقد سب الله و من سب الله فقد كفر.

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
	بلند می کردند و جای نشستن او را آب می کشیدند (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص. ۱۱۷).		آمیختگی نصب با عادات دینی
۳۱	از نسائی خواستند که در فضایل معاویه نیز کتابی بنویسد؛ اما وقتی با مقاومت نسائی روبه رو شدند، چنان او را کتک زدند که از دنیا رفت. بسیاری از علمای اهل سنت به مرگ نسائی به همین سبب اشاره کرده اند. از جمله: هنگامی که در آخر عمرش از مصر به دمشق رفت، در آنجا از او درباره معاویه و فضیلت های او سؤال کردند. او گفت: آیا به این که او را هم شأن علی دانستید، راضی نشدید حال می خواهید او را از علی برتر کنید؟ پس از آن آنقدر او را زدند تا از مسجد بیرونش کردند؛ او را به رمله یا مکه بردند و در اثر بیماری که از آن ضربات برایش حاصل شده بود، از دنیا رفت (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص. ۱۵۶؛ ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۱۹۵؛ مزنی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص. ۳۳۹).	راهبرد تهدید رواج سب و لعن تا زمان نسائی	موفقیت معاویه در همراهی نصب علی (علیه السلام) میان مردم شام
۳۲	سب و لعن حضرت علی (علیه السلام) با اعتراض شدید بزرگان صحابه روبه رو شد؛ اما هشدار آنان به هیچ وجه مؤثر واقع نشد (محمد بن عقیل، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص. ۹۲).	خاضع ساختن شخصیت های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی	مقاومت جامعه اسلامی در مقابل تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۳۳	بانو ام سلمه (رضی الله عنها) از همسران پیامبر گرامی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از یک راوی سؤال کرد: آیا رسول خدا در میان	خاضع ساختن شخصیت های جامعه اسلامی مانع بزرگ	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
	شما سب می شود؟ راوی به خدا پناه برده و تعجب کرد. ام سلمه گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمود: هرکس علی (علیه السلام) را سب کند، مرا سب نموده است ^{۱۲} (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۴۴، ص. ۳۲۸؛ نسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص. ۴۴۱). و حتی به معاویه نامه ای در منع او از این کار می نویسد ولی معاویه اعتنایی نمی کند (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴ق، ج ۵، صص. ۱۱۳-۱۱۴).	معاویه در نصب تشکلاتی (ام المؤمنین ام سلمه)	
۳۴	ابویوب انصاری هنگامی که معاویه در مدینه سب علی (علیه السلام) را می نمود، به او شدیداً اعتراض کرد و گفت در زمینی که سب علی (علیه السلام) را بشنوم، سکونت نخواهم گزید؛ بنابراین مدینه را ترک گفته و به ساحل البحر رفت تا از دنیا رفت (ابن عدیم، بی تا، ج ۷، ص. ۳۰۳۳).	خاضع ساختن شخصیت های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (ابویوب انصاری)	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۳۵	هنگامی که فردی از اهل شام، در حضور ابن عباس به امام علی (علیه السلام) دشنام داد؛ ابن عباس به سمت او سنگ ریزه پرتاب کرد و گفت: ای دشمن خدا با این عمل رسول خدا را آزار دادی. ابن عباس در ادامه به این آیه استشهاد کرد «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ	خاضع ساختن شخصیت های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (ابن عباس)	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)

۱۲. صاحب کتاب المستدرک علی الصحیحین، این حدیث و سند آن را صحیح می داند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص. ۱۳۰) و مؤلف مجمع الزوائد تصریح کرده که غیر از ابو عبدالله حدلی که از تابعان است، سایر راویان این روایت، همگی از راویان صحیح بخاری و مسلم هستند؛ ابو عبدالله حدلی نیز گرچه از راویان صحیحین نیست؛ اما توثیق شده است (هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص. ۱۳۰).

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	وَرَسُولُهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ^{۳۳} (احزاب / آیه ۵۷) (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص. ۱۳۱).		
۳۶	هنگامی که در مجلس معاویه شخصی به امیرالمؤمنین (علیه السلام) اهانت کرده و دشنام داد، سعید بن زید ایستاده و گفت: ای معاویه! می بینم که علی (علیه السلام) را در مقابل تو دشنام می دهند اما تو هیچ گونه خشمی از خود بروز نمی دهی (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق، ص. ۵۸۹).	خاضع ساختن شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (سعید بن زید)	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۳۷	عدی بن حاتم طائی در گفتگویی با معاویه به او گفت: اگر حنجره ما دریده شود و جانمان بر لب برسد؛ بر ما آسان تر از آن است که بدگویی علی را بشنویم (عصامی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص. ۱۰۹).	خاضع ساختن شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (عدی بن حاتم طائی)	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۳۸	وقتی مروان بن حکم در محضر امام سجاد (علیه السلام) اعتراف کرد که در شورش‌های که علیه عثمان شد، هیچ کس مانند علی (علیه السلام) از او دفاع نکرد، با سؤال آن حضرت روبه رو شد که اگر این گونه است پس چرا او را روی منبرها سب می کنید؟ مروان در پاسخ گفت: «زیرا کار ما جز به این صورت سامان نمی یابد» (ابن ابی	اعتراف مروان به مظلومیت علی (علیه السلام)	استواری حکومت بنی امیه بر پایه تخریب شخصیت علی (علیه السلام)

۱۳. بی شک آنهایی که خدا و رسول او را می آزارند خداوند آنها را در دنیا و آخرت لعنت کرده (از رحمتش دور داشته) و برای آنها عذابی خوارکننده مهیا نموده است.

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص. ۲۲۰.		
۳۹	باقوت حموی وقتی راجع به سیستان مطالبش را می‌آورد، می‌نویسد که علی (علیه السلام) را بر منابر شرق و غرب و حتی بر منابر مکه و مدینه لعن می‌کردند ^{۱۴} ولی بر منابر سیستان حتی یک بار هم آن حضرت لعن نشد (باقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۳، ص. ۱۹۱).	لعن امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در منابر شرق و غرب عالم الا سیستان	گسترده‌گی وسیع نصب تشکیلاتی معاویه
۴۰	عبدالرحمن بن ابی لیلی ^{۱۵} از تابعان توسط حجاج دستگیر شد و توسط او تازیانه می‌خورد تا امیرالمؤمنین را سب و لعن نماید (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص. ۳۸۳).	خاضع ساختن شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (عبدالرحمن بن ابی لیلی)	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۴۱	حجاج، به محمد بن قاسم تقفی، نامه نوشت که عطیه بن سعد ^{۱۶} را احضار کند، اگر علی بن ابی طالب (علیه السلام) را لعنت کرد که هیچ؛ وگرنه او را چهارصد تازیانه بزند و سر و ریش او را بتراشد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص. ۳۰۵؛ ابن حجر، ۱۳۲۶ق، ج ۷، ص. ۲۲۶).	خاضع ساختن شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (عطیه بن سعد)	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)

۱۴. لعن علی بن ابی طالب، رضی الله عنه، علی منابر الشرق والغرب ... منابر الحرمین مکه والمدینة.

۱۵. او در جنگ نهروان با علی (علیه السلام) بود؛ در زمان حجاج به قضاوت رسید و سپس عزل شد (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص. ۲۶۷).

۱۶. عطیه بن سعد بن جناده عوفی که به درخواست پدرش سعد بن جناده، اسمش را امیرالمؤمنین انتخاب کرده بود، از روایان کتاب صحیح بخاری، ابی داود، ترمذی، ابن ماجه و... است (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱۱، ص. ۶۴۱).

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از متن	ردیف
تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام)	مذموم ساختن نام «علی»	بنی‌امیه وقتی می‌شنیدند که نوزادی نامش علی است، او را می‌کشتند؛ این خبر وقتی به رباح رسید، گفت نام فرزند من «علی» است. <i>علی بن رباح از ابتدا از نام «علی» بدش می‌آمد و هرکس را که او را به این نام صدا می‌زد زخمی می‌کرد (مزنی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰، ص. ۲۹؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص. ۱۰۲ و ج ۷، ص. ۱۱۳).</i>	۴۲
تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام)	استمرار نصب تشکیلاتی تا زمان متوکل عباسی	علی بن جهیم سلمی شاعر زمان متوکل همواره پدر خودش را نفرین و لعنت می‌کرد که چرا او را علی نام‌گذاری کرده است (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص. ۲۱۰)!	۴۳
تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام)	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) توسط کارگزاران معاویه (زیاد بن ابیه)	زیاد بن ابیه قصد داشت برائت و لعن امام علی (علیه‌السلام) را بر همه اهل کوفه عرضه و هرکه را امتناع کند از دم تیغ گذرانده و به قتل رساند و منزل او را خراب کند. اما خداوند او را گرفتار طاعون کرده و اجازه چنین گستاخی را به او نداد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۵۸).	۴۴
تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام)	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) توسط کارگزاران معاویه (مروان بن حکم)	عمیر بن اسحاق می‌گوید: مروان بن حکم در مدت شش سالی که بر ما حکومت می‌کرد، هر جمعه در منبرش حضرت علی (علیه‌السلام) را سب می‌کرد، سپس او را عزل کردند و به مدت دو سال سعید بن عاص والی مدینه شد و جای مروان را گرفت. ولی او علی (علیه‌السلام) را سب نمی‌کرد. به همین جهت عزل شد و مروان	۴۵

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
	دوباره به امارت مدینه برگشت و سب علی (علیه السلام) را خصوصاً در حضور امام مجتبی (علیه السلام) شروع کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵۷، ص. ۲۴۳).		
۴۶	مروان بن حکم در یکی از دفعات اهانت او به امام علی (علیه السلام) در خطبه، وقتی با اعتراض شدید امام حسین (علیه السلام) مواجه شد به ایشان نیز اهانت کرد (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ۲۵۳).	خاضع ساختن شخصیت های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (امام حسین (علیه السلام) نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کارگزاران معاویه (مروان بن حکم)	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۴۷	مغیره در زمان حکومتش در کوفه، همواره در خطبه ها و مجالسش از امام علی (علیه السلام) بدگویی می کرد ^{۱۷} (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص. ۷۲). و برای عثمان تقاضای مغفرت می نمود (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۱۳). او به دستور معاویه نه تنها در خطبه هایش از علی (علیه السلام) بدگویی می کرد، بلکه خطیبانی را نیز می گماشت که از آن حضرت بدگویی کنند	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توسط کارگزاران معاویه (مغیره بن شعبه)	رقیب سازی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با ترمیم چهره عثمان و ارائه مظلومیت او

۱۷. مؤلف مجمع الزوائد درباره این روایت می گوید: این روایت را طبرانی از شیخ خویش، زکریا نقل کرده است که ذهبی وی را یکی از ثابت قدمان در علم روایت می داند و می گوید هیچ اشکالی در مورد وی سراغ ندارم، سایر راویان این روایت، راویان صحاح هستند (هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص. ۲۴۷).

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	(ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ق، صص. ۶۰۴-۶۰۵؛ ذهبی، ۴۰۵ق، ج ۳، ص. ۳۱).		
۴۸	از اسماعیل بن ابراهیم نقل شده است که گفت: روزی من و ابراهیم بن یزید در نماز جمعه کوفه نشسته بودیم؛ مغیره بن شعبه حمد خدا گفته و سپس به علی (علیه السلام) جسارت کرد. ابراهیم بر زانوی من زده و گفت: رو به من کن و با من سخن بگو؛ زیرا ما در نماز جمعه نیستیم؛ آیا نمی شنوی او چه می گوید؟ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص. ۲۲۱).	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توسط کارگزاران معاویه (مغیره بن شعبه)	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۴۹	معاویه از مغیره بن شعبه خواسته بود تا به موازات لعن علی (علیه السلام) برای عثمان طلب رحمت و مغفرت کند و اصحاب علی (علیه السلام) را آزرده و آنها را تبعید کند و به سخنان آنان گوش فرا ندهد. مغیره در این زمینه به معاویه اطمینان داد که به خوبی از عهده این کار پر خواهد آمد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص. ۲۵۳). ^{۱۸}	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توسط کارگزاران معاویه (مغیره بن شعبه)	مظلوم نمایی از عثمان به عنوان رقیب سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)
۵۰	در اواخر دوران حکمرانی مغیره بن شعبه بر کوفه، روزی در مسجد کوفه گفت: خداوندا فلان (یعنی علی (علیه السلام)) را لعنت کن. زیرا با آن چه در کتاب تو بود مخالفت کرد و سنت پیامبرت را ترک کرد و وحدت کلمه	- خاضع ساختن شخصیت‌های جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکلاتی (حجر بن	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)

۱۸. و لست تارکا ایصاءک بخصلة: لا تتحم عن شتم علی و ذمه، و الترحم علی عثمان و الاستغفار له، و العیب علی اصحاب علی، و الإقصاء لهم، و ترک الاستماع منهم.

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
	امت را به تفرقه کشاند. خون‌ها بر زمین ریخت و سرانجام نیز ظالم بود و کشته شد. بعد از این اهانت، حجر بن عدی تحمل نکرده و چنان فریاد برآورد که همه اهل مسجد و افرادی که بیرون از مسجد بودند، صدای او را شنیدند. صدای فریاد و جملات اعتراض آمیز حجر بن عدی بیشتر مردم را با او همراه کرد و صدای مخالفت و اعتراض اکثریت حاضران، مغیره را از منبر پایین آورد. (بلاذری، ۱۴۰۰ق، ج ۵، صص. ۲۴۳-۲۴۴). حجر بن عدی و عمرو بن حمق خزاعی و همراهان آن دو هرگاه می شنیدند مغیره و دیگر یاران معاویه، امام علی (علیه السلام) را بر منابر لعن می کنند، به پا خاسته و لعن را به خود آنها باز می گردانند ^{۱۹} (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص. ۲۳۰).	عدی و عمر بن حمق (خزاعی) - شجاعت حجر بن عدی عمرو بن حمق خزاعی در ابراز اعتراض	
۵۱	بسر بن أرطاة از نزدیکان معاویه و از سرداران سپاه او نیز بر روی منبر بصره از امام علی (علیه السلام) بدگویی کرده و به او دشنام داده و آن حضرت را تنقیص می کرد (بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص. ۴۹۲).	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توسط کارگزاران معاویه (بسر بن أرطاة)	تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۵۲	خالد بن عبدالله قسری هنگامی که در زمان خلافت هشام بن عبدالملک امیر عراق بود، روی منبر می گفت: خدایا علی ابن ابی طالب،	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توسط	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)

۱۹. حجر بن عدی و برخی یارانش هنگامی که لعن و سب حضرت علی (علیه السلام) بر آنان عرضه شد و نپذیرفتند، به شهادت رسیدند (بلاذری، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص. ۲۶۰؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، صص. ۳-۴).

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	که داماد رسول خدا و پدر حسن و حسین بود را لعنت کن (مبرد، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۲۱۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۵۶) او وقتی حاکم مکه شد، در خطبه‌ها امام علی و امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) را لعن می‌نمود که عبدالله بن کثیر سهمی اشعاری در تفسیر این عمل او و تجلیل از اهل بیت (علیهم‌السلام) سرود (جاحظ، ۱۴۱۸ق، ص. ۵۵۱).	کارگزاران معاویه (خالد بن عبدالله قسری)	
۵۳	ولید بن عبدالملک از خلفای اموی نیز در دوران خلافتش به حضرت علی (علیه‌السلام) اهانت می‌کرد و می‌گفت: علی دزد و دزدزاده بود. مردم از نسبت دزدی که به آن حضرت می‌داد متعجب می‌شدند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۵۸).	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) توسط خلفای مروانی با راهبرد تحمیق	مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام)
۵۴	از زهری روایت شده که ولید بن عبدالملک اعتقاد داشت که فراز «وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» در آیه «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأُفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور /	- نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) توسط خلفای مروانی با رویکرد انحراف دینی - زهری راوی روایات ذم علی (علیه‌السلام)	تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام) با رویکرد دینی و عقیدتی

۲۰. به یقین کسانی که آن تهمت بزرگ (تهمت کار زشت به یکی از همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را آوردند گروهی متشکل و همفکر از شما هستند؛ آن را به ضرر و شر خود میندازید بلکه آن به خیر شماست (زیرا سبب برائت پاکان و رسوایی دروغگویان و منافقان است). بر هر مردی از آنها کیفر گناهی است که کسب کرده و آن کس از آنان که قسمت عمده این بهتان را متصدی شده (بیشتر به نشر و اعتراض پرداخته) او را عذابی بزرگ است.

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
	آیه ۱۱)، در مذمت علی (علیه السلام) نازل شده است (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۹۴ق، ج ۳، ص. ۳۶۹).		
۵۵	یوسف بن عمر والی کوفه پس از شکست قیام زید بن علی وارد کوفه شد و بر بالای منبر مسجد کوفه علی بن ابی طالب و فرزندانش (علیهم السلام) را به شدیدترین و قبیح ترین وجه ممکن شتم نمود (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص. ۲۹۳).	نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توسط خلفای مروانی (یوسف بن عمر)	تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۵۶	فرزند عروة بن زبیر تصریح دارد که هر وقت نزد پدرم از علی (علیه السلام) یاد می شد، پدرم به او اهانت می کرد ^{۲۱} (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۱۰۲).	- نفرت پراکنی نسبت به علی (علیه السلام) (عروة بن زبیر) - همراهی کامل عروة بن زبیر با معاویه در نصب تشکیلاتی و تأثیر پذیری وی از عایشه	تخریب شخصیت علی (علیه السلام) با استفاده از چهره های مطرح جامعه اسلامی
۵۷	یکی از شعرا به نام کنیر در مدح عمر بن عبدالعزیز چنین سرود: «ولیت فلم تشتم علیا و لم تخف، بریا و لم تتبع مقاله مجرم» ^{۲۲}	تمجید از چهره عمر بن عبدالعزیز جهت ممنوعیت سب	تبدیل شدن لعن به عادت روزمره تا زمان عمر بن عبدالعزیز

۲۱. با بررسی نمونه های متعدد تاریخی از نقش معاویه و سایر خلفای بنی امیه و کارگزاران و حامیان آنان در این موضوع، معلوم می گردد که بنی امیه تا زمان عمر بن عبدالعزیز از روشی ثابت در این باره بهره می بردند و برای تثبیت حکومت خویش، همواره ناسزا و نکوهش حضرت علی (علیه السلام) را در برنامه داشتند. خلفای بنی امیه از سال ۴۱ هجری که سال خودداری امام حسن (علیه السلام) از خلافت بود، تا سال ۹۹ یعنی آخرین روزهای حکومت سلیمان بن عبدالملک و آغاز حکومت عمر بن عبدالعزیز، امام علی (علیه السلام) را سب و لعن کردند.
۲۲. حکومت یافتی و دیگر علی شتم نشد و از کسی نترسیدی و از گفته هیچ مجرمی پیروی نکردی.

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	(ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص. ۲۵۶).	علی (علیه السلام)	
۵۸	<p>معاویه به سمرة بن جندب صد هزار درهم داد تا اینکه روایتی جعل کند که آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلْدُ الْخَصَامِ»^{۳۳} (بقره / آیه ۲۰۴) در مورد امام علی (علیه السلام) و آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»^{۳۴} (بقره / آیه ۲۰۷) در مورد ابن ملجم نازل شده است؛ سمرة بن جندب در ابتدا نپذیرفت، اما وقتی معاویه چهارصد هزار درهم دیگر به مبلغ پیشنهادی خود افزود، سمرة قبول کرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۷۳).</p>	<p>نفرت پراکنی نسبت به علی (علیه السلام) (سمرة بن جندب)</p>	<p>تخریب شخصیت علی (علیه السلام) با رویکرد دینی و عقیدتی</p>
۵۹	<p>ماده سوم شرط امام حسن مجتبی (علیه السلام) برای صلح با معاویه، ممنوعیت سب و لعن علی (علیه السلام) بوده است؛ هرچند به اقرار تاریخ معاویه این را نیز زیر پا گذاشت^{۳۵} (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳،</p>	<p>مقاومت شخصیت‌های برجسته جامعه اسلامی در مقابل نصب تشکیلاتی با رویکرد سیاسی (امام حسن</p>	<p>مقاومت جامعه اسلامی در تخریب شخصیت علی (علیه السلام)</p>

۲۳. و از مردم کس هست که گفتارش در زندگی دنیا تو را به شگفت می‌آورد و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد درحالی که سرسخت‌ترین دشمنان است.

۲۴. و از مردم کس هست که جان خود را برای خشنودی خداوند می‌فروشد (در راه خدا جانبازی می‌کند، مانند علی (علیه السلام) که در شب هجرت در جای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خوابید، و خداوند به بندگان دلسوز و مهربان است.

۲۵. المادة الثالثة: أن يترك سبَّ أمير المؤمنين و القنوت عليه بالصلاة، و أن لا يذكر علياً آلاً بخير. أن لا يشتم علياً، فلم يجبه إلى الكف عن شتم علي، فطلب أن لا يشتم و هو يسمع، فأجابه إلى ذلك ثم لم يف له به أيضاً.

ردیف	برداشت از متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	ص. ۴۰۵؛ آل یاسین، ۱۲ق، ص. ۲۶۰.	مجتبی (علیه السلام))	
۶۰	مذمت امام علی (علیه السلام) توسط معاویه در خصوص بزرگی شکم و کوتاهی قد ایشان (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۱۹).	اتهام زنی به علی (علیه السلام)	تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۶۱	معاویه در اعلانی عمومی: کسی که سراز تن عثمان جدا کرده است محمد بن ابی بکر بوده است (ابن کثیر، بی تا، ج ۷، ص. ۱۸۸)	ایجاد کینه و تنفر از یاران امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)	اتهام مشارکت قتل عثمان ابزار سیاسی مناسب جهت تخریب شخصیت علی (علیه السلام) و یاران ایشان
۶۲	گماردن ۶۰ هزار نفر توسط معاویه برای گریه زیر پیراهن عثمان (عاملی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۱، ص. ۲۶۷).	معرفی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به عنوان قاتل خلیفه سوم	اتهام مشارکت قتل عثمان ابزار سیاسی مناسب جهت تخریب شخصیت علی (علیه السلام)
۶۳	برحذر داشتن معاویه از اختلاط مردم با افرادی چون مالک اشتر و یا ابوذر غفاری در میان شامیان (عقاد، بی تا، صص. ۹۳-۹۴؛ بیضون، ۱۹۷۸م، ص. ۱۰۸).	ایجاد تنفر از یاران امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)	تخریب شخصیت یاران علی (علیه السلام)
۶۴	معاویه گروهی از صحابه و تابعین را گماشت تا روایات و احادیث دروغینی که نقص و بیزاری جستن از علی (علیه السلام) باشد بسازند و حقوقی هم برای آنان مقرر کرد که از این افراد ابوهریره، عمروعاص، مغیره بن شعبه، و عروة بن زبیر بودند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۶۳).	گسترش اخبار جعلی	واقع سازی اخبار جعلی

ردیف	برداشت از متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
۶۵	معاویه در نامه‌ای به عمال خود نوشت: هر کسی که دلیلی بر او اقامه شد که دوستدار علی (علیه‌السلام) و اهل بیت اوست، وی را از مناصب اداری و حکومتی حذف کنید؛ شهادتش را قبول ننموده، حقوق و مزایای او را از دیوان قطع کنید و بر او هجوم آورده و خانه‌اش را خراب کنید (علوی، ۱۴۲۸ق، ص. ۹؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص. ۱۹۳).	بر کناری دوستان امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) از پست‌های مدیریتی	تخریب شخصیت یاران علی (علیه‌السلام)
۶۶	تغییر مصادیق و شأن نزول آیات تطهیر (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۴، ص. ۱۸۶)؛ آیه اشتراء (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۴۹۲)، آیه «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص. ۱۰۳)؛ آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۷، ص. ۱۱۶) و مصادیق احادیث مشهوری چون سید شهاب اهل‌الجنه، (رازی، ۱۹۵۲م، ج ۸، ص. ۶۹)؛ صدیق (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۹۹۲م، ص. ۱۶۹) و فاروق (نمیری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۳۵۰) توسط معاویه و ایادی او.	سرقه فضائل	تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام) با بزرگنمایی از شخصیت مخالفان ایشان

۴-۲. مرحله دوم تفسیر: شناسایی دال‌های گفتمانی و دسته‌بندی آنها

دو مرحله بعدی تحلیل یعنی مرحله عمیق و عمیق‌تر مراحل اصلی تحلیل گفتمان جهت کشف اصلی معناها و جهت‌گیری‌ها و گرایشات است. مرحله عمیق را می‌توان مرحله «تفسیر» نامید که در آن با توجه به معناهای ضمنی به‌دست‌آمده از تحلیل سطح - عمق، بینامتنیت ذهنی تحلیل‌گر و بینامتنیت‌های مرتبط تحلیل می‌گردد. در این مرحله تحلیل‌گر سعی می‌کند با توجه به زمینه‌های خلق متن رابطه معنایی میان متن و زمینه را

کشف کند (بشیر، ۱۳۹۱، ج ۲، صص. ۱۵-۱۹). در این بخش می‌کوشیم تا با استفاده از یافته‌های جدول قبل، به شناسایی دال‌های گفتمانی پرداخته و سپس به منظور فهم بهتر، آنها را در چند مجموعه مشخص، دسته‌بندی نماییم.

جدول (۲): شناسایی دال‌های گفتمانی و دسته‌بندی آنها

دال‌های اساسی	شناسایی دال‌های گفتمانی	ردیف
تخریب شخصیت علی (علیه السلام) با رویکرد فرهنگی - اجتماعی و در جهت تغییر باورها و نگرش‌ها	<ol style="list-style-type: none"> ۱. جعل حدیث در تخریب شخصیت علی (علیه السلام) و در فضایل صحابه رقیب (به صورت مکتبی و تعلیمی) ۲. سرقت فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ۳. منع نقل فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ۴. لعن در خطبه‌های نماز جمعه و در معابر و گره زدن این لعن با عادات جمعی جهت نهادینه شدن آن ۵. سب و شتم علی (علیه السلام) به شکل دسته‌جمعی و اجبار در آن به رغم مخالفت و عدم همراهی برخی چهره‌های سنی مذهب ۶. اهانت به ساحت علی (علیه السلام) توسط شخص معاویه و کارگزاران (حجاج بن یوسف، زیاد بن ابیه، مغیره بن شعبه، بسر بن ارضاء، خالد بن عبدالله قسری، یوسف بن عمر و...) ۷. عیب‌جویی و طعن شخصیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با: <ul style="list-style-type: none"> ▪ قدح در ویژگی‌های ظاهری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ▪ جعل شأن نزول آیات مذمت‌آمیز قرآن در مورد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ▪ مذموم ساختن نام علی ۸. استفاده از آیات قرآن کریم جهت تقدس بخشی به عقاید فاسد ۹. اتهام انحراف دینی 	۱

ردیف	شناسایی دال‌های گفتمانی	دال‌های اساسی
	<p>۱۰. نظام‌سازی معاویه جهت تربیت نسلی معاند علیه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در شام</p> <p>۱۱. ممانعت از شناخت اسلام حقیقی توسط یاران علی (علیه‌السلام)</p> <p>۱۲. جلوگیری از رسیدن اخبار صحیح به مردم شام جهت بسیج ایشان برای تقابل با امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)</p> <p>۱۳. دشمن‌سازی و ایجاد تنفر از یاران امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)</p> <p>۱۴. تغییر نگرش‌ها و اندیشه‌های مردم شام جهت نظام‌سازی و ایجاد نصب تشکیلاتی</p> <p>۱۵. بزرگنمایی از شخصیت مخالفان امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام) با رویکرد دشمن‌سازی دینی</p>	
۲	<p>۱. وعده جایگاه اجتماعی مطلوب</p> <p>۲. مظلوم‌نمایی از عثمان به‌عنوان رقیب</p> <p>۳. معرفی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به‌عنوان قاتل خلیفه سوم</p> <p>۴. به‌کارگیری بسیار وسیع و مؤثر چهره‌های سرشناس مخالف نظیر: عایشه، عروة بن زبیر، عمر بن ثابت، حریر بن عثمان، خالد بن ولید، ابوهریره، عبدالله بن هانی، زیاد بن ابیه، عبدالله بن زیاد، سمره بن جندب جهت ارائه چهره‌ای مخدوش از علی (علیه‌السلام)</p> <p>۵. برکناری دوستان امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) از مناصب مدیریتی</p> <p>۶. تخصیص مقرری ویژه از بیت‌المال برای بدگویان نسبت به علی (علیه‌السلام)</p>	تخریب شخصیت علی (علیه‌السلام) با رویکرد سیاسی
۳	<p>۱. اعتراض، مقاومت و تبیین‌گری شخصیت‌ها به سیستم نصب تشکیلاتی معاویه (امام حسن</p>	مقاومت جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکیلاتی

دال‌های اساسی	شناسایی دال‌های گفتمانی	ردیف
	<p>مجتبی (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام)، ابن عباس، عمر بن حمق خزاعی، حجر بن عدی، ام‌المؤمنین ام سلمه (رضی الله عنها)، ابویوب انصاری، صیفی بن فسیل، رشید هجرى، عقیل بن ابی طالب، حجر بن قیس مدری، سعید بن زید، عدی بن حاتم طائی، عبدالرحمن بن ابی لیلی، عطیة بن سعد، ثابت بن عبدالله بن زبیر</p> <p>۲. تمجید شعراء از عمر بن عبدالعزیز به علت ممنوعیت سب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)</p>	
<p>گسترده‌گی تشکیلات نصب معاویه (عمدتاً با رویکرد تهدید و تطمیع و تحمیق)</p>	<p>۱. معاویه سردمدار و مؤسس تشکیلات نصب</p> <p>۲. پیشینی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از ظهور شخصیتی هتاک و جبر لعن تشکیلاتی</p> <p>۳. اعتراف معاویه به نصب تشکیلاتی و کادرسازی علیه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)</p> <p>۴. تخریب و اهانت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وسیله تقرب به جایگاه اجتماعی</p> <p>۵. ایجاد محدودیت‌های اجتماعی - امنیتی برای شیعیان علی (علیه السلام)</p> <p>۶. نظام‌سازی معاویه جهت تربیت نسلی معاند علیه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)</p> <p>۷. نهادینه‌بودن سبّ در زمان ابن عباس</p> <p>۸. گسترده‌گی وسیع نصب تشکیلاتی معاویه در شرق و غرب جامعه اسلامی</p> <p>۹. فریب شخصیت‌ها و خواص برای لعن و سبّ و ابراز برائت از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)</p> <p>۱۰. موفقیت معاویه در همراه‌سازی توده تابعان</p> <p>۱۱. زهری راوی روایات ذمّ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)</p> <p>۱۲. استمرار تشکیلات نصب و سبّ تا زمان عمر بن عبدالعزیز</p>	<p>۴</p>

ردیف	شناسایی دال‌های گفتمانی	دال‌های اساسی
	۱۳. نفرت پراکنی نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) توسط خلفای مروانی با رویکرد انحراف دینی ولید بن عبدالملک	

تحلیل دال‌های گفتمانی گزارش‌ها نشان می‌دهد در بین دشمنان جبهه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) از بین ناکتین و مارقین و قاسطین، تنها جریانی که نصب امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) را به صورت تشکیلاتی دنبال کرد، جریان قاسطین به سردمداری معاویه بن ابی سفیان و کارگزاران او بوده است و دو جریان دیگر هرگز به صورت سیستمی منسجم، و آینده‌نگر در تقابل با امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) ادامه حیات نداده‌اند و بنابراین اثرهای چنین نصبی در طول تاریخ آنچنان اثری از خود نشان نداده و جریان ناکتین بعد از نبرد جمل و مارقین پس از نهروان به محاق رفتند؛ اما قاسطین که پایه‌گذار جریان ناصبی‌گری در طول تاریخ هستند و دشمنی میراث‌بران آنان با شیعیان همچنان بروز و ظهور دارد، محصول عملیاتی حرفه‌ای و افشاندن بذر کینه و عداوتی بود که قاسطین به سردمداری معاویه آن را پایه‌گذاری، ترویج و استوار کردند. وی کوشید تا تنفر عالم اسلامی را از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فراگیر کرده و با جادوی تبلیغاتی خود از ایشان و شیعیان، چهره‌ای منفور میان تمامی اقشار امت اسلامی ترسیم کند. این جریان چند شاخصه اصلی دارد:

۱- ترور شخصیت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با فراگیر کردن لعن و سب ایشان در مناطق مختلف اسلامی مهم‌ترین راهبرد این جریان بوده است. این راهبرد دشمنی با ایشان را به دشمنی مقدسی میان امت اسلامی و خصوصاً مردم شام تبدیل کرد. معاویه برای این کار نخست می‌بایست نگرش و باور مردم را تغییر و در مسیر پروژه‌ی کلان خود هدایت کند.

۲- بازوان اجرای چنین راهبرد ناجوانمردانه‌ای سه گروهند: یکی سردمداران حکومتی معاویه نظیر حجاج بن یوسف، زیاد بن ابیه، مغیره بن شعبه، بسر بن ارطاه و... که بازوی قدرت و نیروی جبری او هستند و دیگری علماء و شخصیت‌های دینی منحرفی که بعدها در ایجاد بستر خشمی مقدس و برخاسته از دین نسبت به ایشان،

تشکیلات معاویه را یاری کردند؛ شخصیت‌هایی چون زهری و دیگرانی که شأن نزول آیات را تغییر داده، فضایل ایشان را کتمان نموده و فضایی دروغین برای رقبا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ساختند. گروه سوم نیز شخصیت‌های برجسته و چهره‌های شناخته شده امت اسلامی مثل عایشه، عروة بن زبیر، عمر بن ثابت، حریر بن عثمان، خالد بن ولید، ابوهریره و... بودند که معاویه با فریب آنان، کینه دیرینه ایشان را جهت آبیاری بذر حقد و عداوت نسبت به ایشان به خدمت گرفت! ۳- شاخصه دیگر این جریان گستردگی جریان نصب بود. بخشی از عالم اسلامی به شکلی ریشه‌دار بغض امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را و به نسل‌های پس از خود منتقل کردند که نمونه آن در برخورد شامیان با نسائی عالم برجسته اهل سنت گذشت. هرچند بنی مروان و در ادامه عباسیان نیز جهت منافع خود خط کینه و عداوت قاسطین را دنبال کردند؛ اما نقشه راه و پایه‌گذار چنین جریانی را معاویه و ایادی آن تشکیل می‌دهند.

۴- از جهت سیاسی نیز جریان تنفر از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ادامه‌دار و مهم‌ترین راهبرد معاویه در این جهت معرفی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به عنوان قاتل خلیفه سوم بود. وی محدودیت‌های امنیتی و تعقیب قضائی وسیعی برای شیعیان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اعمال کرد و شیعه‌گری را امری مذموم، حباب ایشان را - به‌رغم نزول آیاتی مثل آیات مودت در شأن ایشان که محبت ایشان را اجر رسالت معرفی می‌نماید - امری نکوهیده و ناپسند در میان امت اسلامی معرفی کرد.

۵- معاویه وقتی با مقاومت چهره‌های مشهور موافق امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مواجه شد؛ عمده راهبرد او تطمیع و به‌کارگیری چهره‌های مخالف بود. وی در مقابل طرفداران امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که با جریان نصب او همراهی نمی‌کردند به بسیج چهره‌های شاخص جامعه پرداخت تا طیفی از سرشناسان جامعه اسلامی را رقیب مخالف گفتمان آنان معرفی نماید.

لازم به ذکر است که اعتراف منابع شیعه و سنی به این ماجرا و عدم انحصار منابع تحقیق به آثار شیعه، پذیرش چنین رویکردهایی را باورپذیرتر می‌کند.

۳-۴. مرحله تبیین: شناسایی دال‌های فراگفتمانی

بالأخره مرحله عمیق‌تر بررسی نتایج به‌دست آمده از مراحل قبلی با توجه به فرامتن است که مرحله تبیین نامیده می‌شود (بشیر، ۱۳۹۱، ج ۲، صص. ۱۶-۱۹). در این مرحله است که قرائت نهایی تحلیل‌گر با استفاده از متن، زمینه، بینامتنیت‌های پدیدآورنده صورت گرفته، رابطه میان گفته‌ها و ناگفته‌ها بر قرار می‌شود (بشیر و حاتمی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۲). اکنون نتایج مرحله عمیق‌تر تحلیل در جدول زیر تشریح شده است:

جدول (۳): شناسایی دال‌های فراگفتمانی

ردیف	دال‌های اساسی	دال‌های فراگفتمانی
۱	راهبرد ایجاد تنفر عمومی از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با رویکرد فرهنگی - اجتماعی	تخریب فرهنگی - اجتماعی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و شیعیان
۲	راهبرد ایجاد تنفر عمومی از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با رویکرد سیاسی	تخریب سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و شیعیان
۳	مقاومت جامعه اسلامی مانع بزرگ معاویه در نصب تشکیلاتی	عدم انقیاد برخی چهره‌های مطرح جامعه مانع بزرگ معاویه
۴	گسترده‌گی تشکیلات نصب معاویه (عمدتاً با رویکرد تهدید و تطمیع و تحمیق)	وسعت‌بخشی به تشکیلات نصب فراگیر

در این مرحله و با تشریح دال‌های فراگفتمانی این نتایج چهارگانه حاصل گردید:

۱- معاویه با نظام‌سازی و کادرسازی دقیق و با راهبردهای فرهنگی، سیاسی، امنیتی تا جریانی فراگیر و ریشه‌دار ایجاد کند. وی برای کنترل «شیعه‌گری»، جریان «ناصبی‌گری» را پایه‌گذاری کرد. همان‌طور که محبت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) قلوب دوستان او را آکنده بود؛ معاویه نیز تلاش کرد تا در مقابل این محبت مقدس، کینه‌ای مقدس ایجاد کند. وی در این زمینه تلاش کرد تا ابتدا نگرش‌ها و باورهای مردم را تغییر داده و بر مبنای دشمنی علی (علیه‌السلام) تربیت کند. راهبردهای فرهنگی او در این زمینه مبتنی بر سب و لعن، تخریب شخصیت و تقدس‌بخشی به عقاید فاسد بود.

۲- از جهت سیاسی نیز وی کوشید تا اولاً، خلیفه سوم را مظلوم جلوه داده و ثانیاً،

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را قاتل چنین مظلومی معرفی نماید. نیز تلاش کرد تا شیعیان ایشان را تحت تعقیب قرار داده و از شیعه‌گری عنوانی قبیح و مذموم در جامعه ترسیم کند. نشان دیگر تشکیلاتی بودن این جریان، گماردن افرادی ویژه همراه با بودجه و مقرری مخصوص برای جعل حدیث علیه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و بدگویی از ایشان است.

۳- معاویه در این جریان حقیقتاً یک تشکیلات بزرگ و منسجمی را راهبری کرد؛ به طوری که می‌توان بقایای نواصب در کشورهای اسلامی و جریان‌ات تکفیری را ثمره تلاش‌های معاویه دانسته و او را پایه‌گذار «سلفی‌گری نوین» بنامیم!

۴- در عین حال بزرگ‌ترین مانع معاویه در این مسیر شوم، عدم انقیاد برخی شخصیت‌های مطرح در جامعه و استقامت ایشان جهت حمایت از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود که وی نیز در مقابل چنین معضلی، خط بسیج مخالفان سرشناس را دنبال کرد.

در شکل زیر الگوی تحلیل گزارش‌ها ترسیم شده است:



شکل (۱): الگوی تقابل تشکیلاتی معاویه با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

نتیجه گیری

با تحلیل گفتمان گزارش های تاریخی که حاوی نصب و دشمنی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود و با بهره گیری از روش پداف در سه سطح، نتیجه تحلیل گزارش ها چنین شد: در میان سه جبهه دشمنان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) (ناکثین، قاسطین و مارقین) جریان قاسطین به سردمداری معاویه بن ابی سفیان تنها جریانی بود که به صورت منسجم و تشکیلاتی نصب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را در جوامع اسلامی آن زمان ترویج کرد و زیست بوم فرهنگی شامیان را بر پایه دشمنی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تربیت و هدایت نمود. معاویه تلاش کرد تا در مقابل محبت مقدس

شیعیان به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، کینه‌ای مقدس ایجاد کند و بر مبنای همین کینه و بغض، با نظام‌سازی و کادرسازی دقیق و با راهبردهای فرهنگی، سیاسی، امنیتی و برای کنترل شیعه، جریان «ناصری‌گری» را در طول تاریخ بنیان نهاد. راهبردهای فرهنگی او مبتنی بر سب و لعن، تخریب شخصیت و تقدس‌بخشی به عقاید فاسد بود. از جهت سیاسی نیز وی کوشید تا اولاً، خلیفه سوم را مظلوم جلوه داده و ثانیاً، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را قاتل چنین مظلومی معرفی نماید. نیز تلاش کرد تا شیعیان ایشان را تحت تعقیب قرار داده و از شیعه‌گری عنوانی قبیح و مذموم در جامعه ترسیم کند. در مقابل، گروه بسیار زیادی از شیعیان و محبان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از تسلیم در مقابل چنین تشکیلات سازمان‌یافته‌ای سرباز زدند که در مقابل نیز معاویه سرشناسان مخالف ایشان را بسیج کرد. وسعت، فراگیری و سازمان‌یافتگی تشکیلات معاویه باعث شد تا در طول دوران، جریان‌های مخالف امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با اتکا به الگوی شوم او، در قالب گروه‌های مختلف سلفی و تکفیری سربرداشته و ظهور کنند و پایه دینداری خود را بر بغض امیر مؤمنان استوار نمایند.

کتابنامه

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- آل یاسین، راضی بن عبدالحسین (۱۴۱۲ق). صلح الحسن (علیه السلام). بیروت: اعلمی.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هیبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ابن ابی عاصم، عمرو (۱۴۱۳ق). کتاب السنه. به کوشش محمد ناصر الدین آل‌بانی، بیروت: المکتب الاسلامی.
- ابن ابی شیبه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ق). المصنف فی الأحادیث والآثار. به کوشش سعید اللحام، بیروت: دار الفکر.

ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکرّم (١٣٨٥ق). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکرّم (١٤٠٩ق). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار الفکر.
ابن اعثم کوفی، أحمد (١٤١١ق). *الفتوح*. به کوشش علی شیری، بیروت: دارالأضواء.
ابن بابویه، علی بن حسین (١٤١٣ق). *من لا یحضره الفقیه*. به کوشش علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

ابن بابویه، علی بن حسین (١٤٠٦ق). *التوحید*. به کوشش هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (١٤١٢ق). *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، به کوشش محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (١٣٢٦ق). *تهذیب التهذیب*. هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (١٣٩٠ق). *لسان المیزان*. به کوشش دائرة المعارف النظامية، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (١٤٠٨ق). *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*. به کوشش خلیل شحادة، بیروت: دار الفکر.
ابن سعد، محمد بن سعد (١٤١٠ق). *الطبقات الکبری*. به کوشش محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن سیده، علی بن اسماعیل (١٤٢١ق). *المحکم و المحيط الأعظم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (١٣٧٩ق). *مناقب آل أبی طالب*. قم: مؤسسه انتشارات علامه.

ابن عبد ربه، احمد بن محمد (١٤٠٤ق). *العقد الفرید*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن عدیم، عمر بن أحمد (بی تا). *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*. به کوشش سهیل زکار، بی جا: دار الفکر.

ابن عساکر، علی بن حسن (١٤١٥ق). *تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمائل*. به کوشش عمر بن غرامة العمری، بیروت: دار الفکر.

ابن العمرانی، محمد بن علی (۱۴۲۱ق). *الإنباء فی تاریخ الخلفاء*. به کوشش قاسم السامرائی، قاهره: دارالآفاق العربیه.

ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق). *الإمامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء*. بیروت: دارالأضواء.

ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲م). *المعارف*. الهيئة المصرية العامة للكتاب.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا). *البدایة و النهایة*. بیروت: دارالفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الصنادیر.

ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۳۹۴ق). *حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء*. مصر: السعادة.

احمد بن حنبل (۱۴۲۰ق). *مسند أحمد بن حنبل*. به کوشش شعیب الأرئووط و دیگران، بی جا: مؤسسة الرسالة.

ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۱۱ق). *حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (علیهم السلام)*. قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.

برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. به کوشش جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیه.

بشیر، حسن و دیگران (۱۳۸۹). *خبر: تحلیل شبکه ای و گفتمان*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

بشیر، حسن و دیگران (۱۳۹۱). *رسانه های بیگانه، قرائتی با تحلیل گفتمان*. تهران: سیمای شرق.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۹م). *أنساب الأشراف*. ج اول، به کوشش محمد حمیدالله، مصر: دارالمعارف.

بیضون ابراهیم (۱۹۷۸م). *التيارات السیاسیه فی القرن الاول الهجری*. بیروت: دار النهضة العربیه.

ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸م). *سنن الترمذی*. به کوشش بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامی.

ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳). *الغارات*. به کوشش جلال الدین حسینی ارموی،

تهران: انجمن آثار ملی.

جاحظ، عمرو بن بحر (١٤١٨ق). *البيان والتبيين*. به كوشش عبدالسلام هارون، قاهره: مكتبة الخانجي.

جوهری، اسماعیل بن حماد (١٣٧٦ق). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*. به كوشش احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.

حاكم نیشابوری، محمد بن عبدالله (١٤١١ق). *المستدرک علی الصحیحین*. به كوشش مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الكتب العلمیه.

جرعاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة (معروف به وسائل الشیعة)*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

علامه حلّی، حسن بن یوسف (١٤١٠ق). *نهایة الاحکام*. به كوشش مهدی رجایی، قم: اسماعیلیان.

علامه حلّی، حسن بن یوسف (١٩٨٢م). *نهج الحق و كشف الصلح*. بیروت: دار الكتاب اللبناني. خطیب بغدادی، أحمد بن علی (١٤١٧ق). *تاریخ بغداد*. به كوشش مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الكتب العلمیه.

ذهبی، محمد بن احمد (١٤١٣ق). *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام*. به كوشش عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دار الكتاب العربی.

ذهبی، محمد بن احمد (١٤١٩ق). *تذكرة الحفاظ*. به كوشش زکریا عمیرات، بیروت: دار الكتب العلمیه.

ذهبی، محمد بن احمد (١٤٠٥ق). *سیر أعلام النبلاء*. به كوشش شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.

رازی، عبدالرحمن بن ابی حاتم (١٩٥٢م). *الجرح و التعلیل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. زمخشری، محمود بن عمر (١٩٧٩م). *أساس البلاغة*. بیروت: دار الصّادر.

سمهودی، علی بن عبدالله (١٤١٩ق). *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی*. بیروت: دار الكتب العلمیه.

سید رضی، محمد بن حسین (١٤١٤ق). *نهج البلاغة*. قم: هجرت.

شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۱۶ق). مسالك الأفهام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

طبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۰۵ق). المعجم الكبير. به کوشش حمدی عبد المجید السلفی، بی جا: دار إحياء التراث العرب.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الرسل و الأمم و الملوك. تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۸ق). المنتخب من ذیل المذیل من تاریخ الصحابة و التابعیه. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶ق). الصحيح من سيرة النبي الأعظم (طبع جدید). قم: دار الحديث. عبدالله، عادل کاظم (۱۴۲۸ق). القول العلی فی اثبات سب معاویه لسیدنا علی. بیروت: دار وادی السلام.

عصامی، عبدالملک بن حسین (۱۴۱۹ق). سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی. به کوشش عادل أحمد عبد الموجود - علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.

عقاد، عباس محمود (بی تا). معاویة بن ابی سفیان. بی جا: دار الرشد الحدیثه.

علوی، محمد بن علی (۱۴۲۸ق). المناقب (کتاب العقیق). قم: دلیل ما.

کوثری، احمد (۱۳۹۳). بررسی ریشه‌های تاریخی ناصبی گری. نشریه سراج منیر، (۱۶). کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی. تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق). ینابیع المودة لذوی القربی. به کوشش سید علی جمال اشرف الحسینی، بی جا: دار الاسوة للطباعة والنشر.

کشّی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). رجال الکشی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران:

دارالکتب الاسلامیه.

مبّرّد، محمد بن یزید (۱۴۱۷ق). *الکامل فی اللغة و الأدب*. به کوشش محمد أبوالفضل إبراهیم، قاهره: دار الفكر العربی.

خطیب بغدادی، أحمد بن علی (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*. به کوشش مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. به کوشش اسعد داغر، قم: دار الهجره.

مسلم بن حجاج نیشابوری (بی تا). *صحیح مسلم*. بیروت: دار الفكر.

مطیعی، میثم (۱۴۰۲). *آموزه‌های معصومان در مواجهه با اهانت*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

مک دانل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسین علی نوذری، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.

نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۲۱ق). *السنن الکبری*. به کوشش حسن عبدالمنعم شلبی، بیروت: مؤسسة الرسالة.

نمیری، عمر بن شبه (۱۴۱۷ق). *تاریخ المدینة المنورة*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

نووی، یحیی بن شرف (۱۳۹۲ق). *المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نویری، احمد بن عبدالوهاب (۱۴۲۴ق). *نهاية الأرب فی فنون الأدب*. به کوشش مفید قمحیة وجماعة، بیروت: دار الکتب العلمیه.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *المغازی*. بیروت: اعلمی.

هیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸ق). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*. بیروت: دار الصاد.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دار الصاد.

References

- Abdullah, Adel Kazem (1428). Qol al-Ali in proving Muawiyah's Sabb for Ali, Beirut: Dar Wadi al-Salam.
- Abu Nuaim Esfahani, Ahmed bin Abdullah (1974). Heliya Al-Awliya and Taqabat Al-Asfia, Egypt: Al-Saada.
- Ahmad bin Hanbal (1999). Musnad of Ahmad bin Hanbal, with the efforts of Shoaib al-Arnaut and others, no place: Al-Risalah Foundation.
- Akkad, Abbas Mahmud (No date). Mu'awiyah bin Abis Sufyan, no place: Dar al-Rashad al-Hadithah.
- Alavi, Muhammad bin Ali (2007). Al-Manaqib (Book of Al-Aqiq), Qom: Dalil ma.
- Alusi, Sayyid Mahmud (1994). The Spirit of Interpretations in the Interpretation of the Great Quran, Beirut: Dar Al-Kutb Al-Ilmiyah.
- Al-Yasin, Razi bin Abdul-Husein (1992). The Peace of Al-Hasan (peace be upon him), Beirut: A'lami.
- Ameli, Jafar Morteza (2005). Al Sahih Men Sira al-Nabi al-Azam (new edition), Qom: Dar al-Hadith.
- Azhari, Muhammad bin Ahmad (2000). Tahdeeb al-Lughah, Beirut: Dar Ehya al-Turath al-Arabi.
- Bahrani, Sayyid Hashim bin Sulayman (1991). Hilyat al-Abrar fi Ahwal Muhammad wa Ahl al-Ahl al-Athar (peace be upon them), Qom, Al-Ma'arif al-Islamiyya Foundation.
- Barqi, Ahmad bin Muhammad (1952). Al-Mahasin, with the help of Jalal al-Din Muhaddis, Qom: Dar al-Kutb al-Islamiyya.
- Bashir, Hassan and others. (2010). News; Network and Discourse Analysis, Tehran: Imam Sadiq University (peace be upon him).
- Bashir, Hassan and others. (2012). Foreign Media, A Reading with Discourse Analysis, Tehran: Simay Sharq.
- Belazuri, Ahmad bin Yahya (1959 AD). Ansab al-Ashraf, vol. 1, edited by Muhammad Hamidullah, Egypt: Dar al-Maarif.
- Bizoun Ebrahim (1978). Al-Tiyarat Al-Siyasiya fi Qarn al-Awwal al-Hijri, Beirut: Dar al-Nahda al-Arabiya.
- Dhahabi, Muhammad bin Ahmad (1985). Siyar Alam al-Nubala, by Shoaib Arnaut, Beirut: Al-Risalah Est.
- Dhahabi, Muhammad bin Ahmad (1993). Tarikh al-Islam wafayat al-Mashahir wa al-Alam, by Omar Abd al-Salam Tadmari, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Dhahabi, Muhammad bin Ahmad (1998). Tadzkirah al-Hufaz, by Zakaria Amirat, Beirut: Dar al-Kutub al-Elamiya.
- Esami, Abd al-Malak bin Hossein (1998). Samt al-Nujum al-Awali fi Anba al-Awael wa Tawali, with the efforts of Adel Ahmed Abd Al-Mawatif-Ali Muhammad Maawad, Beirut: Dar al-Katb Al-Elamiya.
- Fairclough, Norman (1960). Critical Discourse Analysis, Tehran: Center for Media Studies and Research.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1989). Kitab al-Ain, Qom: Hijrat Publishing.

- Hakim Nishaburi, Muhammad bin Abdullah (1991). al-Mustadrak Al al-Sahihein, with the efforts of Mustafa Abd al-Qadir Atta, Beirut: Dar al-Katb al-Elamiya.
- Heli, Hasan bin Yusuf (1982). Nahj al-Haqq and Kashf al-Seddq, Beirut: Dar al-Kitab al-Lubanani.
- Heli, Hasan bin Yusuf (1990). End of Commandments, edited by Mahdi Rajaei, Qom: Ismailian.
- Heythami, Ali bin Abi Bakr (1988). Majma al-Zawa'ed and Manba Al fawaed, Beirut: Dar al-Kutb al-Elamiya.
- Hur Amili, Muhammad bin Hasan (1989). Details of Shi'ite means of studying Islamic matters (known as Shi'ite means, Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them.
- Ibn Abd Rabbah, Ahmad Ibn Muhammad (1984). al-Aqd al-Farid, Beirut: Dar al-Katb al-Elmiyah.
- Ibn Abi Al-Hadid, Abdul-Hamid bin Hibatullah (1984). Explanation of Nahjul-Balagha, edited by Muhammad Abul-Fadl Ibrahim, Qom: Ayatollah Mar'ashi Library Publications.
- Ibn Abi Asim, Omar (1993). Kitab al-Sunnah, by Muhammad Nasir al-Din Albani, Beirut: Al-Maktab al-Islami.
- Ibn Abi Shaybah, Abdullah bin Muhammad (1989). al-Musnaf fi al-Ahadith and effects, by Saeed al-Laham, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Adeem, Omar Ibn Ahmad (No date). Boghiya al-Talb in the history of Aleppo, by Sohail Zakkar, Bija: Dar al-Fikr.
- Ibn al-Omarani, Muhammad ibn Ali (2000). Al-Inabaa fi Tarikh al-Kholafa, by Qasim al-Samerai, Cairo: Dar al-Afaq al-Arabiya.
- Ibn Asaqir, Ali Ibn Hassan (1994). History of the city of Damascus and mention of virtues and names of solutions and parables, by the efforts of Omar Ibn Gharamah al-Omari, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Atham Kufi, Ahmad (1991). al-Futuh, by Ali Shiri, Beirut: Dar al-Adwah.
- Ibn Athir Jazari, Ali bin Abi al-Karam (1965). Al-Kamal fi al-Tarikh, Beirut: Dar Alsadir.
- Ibn Athir Jazari, Ali bin Abi al-Karam (1989). Osd al-Ghaba fi Marafah al-Sahaba, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Babawaih (1986). Al-Tawhid, by Hashem Hosseini, Qom: Jamia Modaresin.
- Ibn Babawaih (1993). Man La Yahdoroh al-Faqih, by Ali Akbar Ghafari, Qom: Jamia Modaresin Publications.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad bin Ali (1908). Tahzib al-Tahzib, India: Nizamiya Encyclopaedia Press.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad bin Ali (1970). Ilesan Al-Mizan, by the effort of Al-Nazimiya Encyclopaedia, Beirut: Al-Alami Foundation for Publications.
- Ibn Juzi, Abd al-Rahman bin Ali (1992). al-Muntazam fi Tarikh al-Umam wa al-Muluk, by the effort of Muhammad Abd al-Qadir Atta and Mustafa

- Abd al-Qader Atta, Beirut: Dar al-Katb al-Elamiya.
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Omar (Baita). al-Badaiya wa al-Nahiya, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Khaldoun, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1988). Diwan al-Mubatada wa al-Khabar fi Tarikh al-Arab wa al-Barbar wa Man Asarahom Men Zawe al-Shaan al-Akbar, by the effort of Khalil Shahada, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukrram (1993). Lasan al-Arab, Beirut: Dar al-Sader.
- Ibn Qutaiba Dinuri, Abdullah bin Muslim (1990). Al Imamate and Al-Siyasah known as the history of the Colapha, Beirut: Dar al-Awat.
- Ibn Qutaiba Dinuri, Abdullah bin Muslim (1992). Al-Maarif, Egyptian General Book Authority.
- Ibn Saad, Muhammad Ibn Saad (1990). Tabaqat al-Kabri, by the efforts of Muhammad Abd al-Qadir Atta, Beirut: Dar al-Katb al-Elamiya.
- Ibn Sayedeh, Ali Ibn Ismail (2000). Al-Muhkam wa Al-Muhait al-Azam, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Muhammad Bin Ali (1960). Manaqib Al Abi Talib, Qom: Allameh Publications Institute.
- Jahiz, Amr bin Bahr (1979). Al-Bayan and Al-Tabain, by the efforts of Abd al-Salam Haroun, Cairo: Al-Khanji School.
- Johari, Ismail bin Hammad (1957). Al Sehah Taj al-Lugha and Al Sehah al-Arabiya, edited by Ahmad Abd al-Ghafoor Attar, Beirut: Dar Al elm.
- Kashi, Muhammad bin Omar (1989). Rijal al-Kashi, Mashhad: Mashhad University Press.
- Khatib al-Baghdadi, Ahmed bin Ali (1996). History of Baghdad, by Mustafa Abd al-Qadir Atta, Beirut: Dar al-Katb al-Elmiyah.
- Khatib al-Baghdadi, Ahmed bin Ali (1996). History of Baghdad, by Mustafa Abd al-Qadir Atta, Beirut: Dar al-Katb Al-Elamiya.
- Kowsari, Ahmad (2014). A Study of the Historical Roots of hostility. *Siraj Munir Publication*, (16).
- Kufi, Furat bin Ibrahim (1990). Tafsir Furat al-Kufi, Tehran: Est.
- Kulini, Muhammad bin Yaqub (1987). Al-Kafi, Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhundi, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah.
- Kunduzi Hanafi, Suleiman bin Ibrahim (1995). the sources of al-Muda for Al-Qurabi, with the efforts of Seyyed Ali Jamal Ashraf al-Husseini, Bibai: Dar al-Aswa for printing and publishing.
- Masoudi, Ali bin Hossein (1989). Moruj Al-Dahaab and Maaden Al-Jawhar, with the efforts of Asad Dagher, Qom: Dar al-Hijra.
- McDonnell, Diane (2003). An Introduction to Discourse Theories, Translated by: Hussein Ali Nozari, Tehran: Farhang Gofman Publishing House.
- Motiee, Meytham, (1982). The Teachings of the Infallibles in the Face of Insult, Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Mubard, Muhammad bin Yazid (1996). Al-Kamel fi al-Laghga and Al-Adab, by the efforts of Muhammad Abul-Fazl Ibrahim, Cairo: Dar al-Fikr

al-Arabi.

- Muslim ibn Hajjaj Nishaburi (No date). Sahih Muslim, Beirut: Dar al-Fikr.
- Nasa'i, Ahmad ibn Shu'ayb (2000). Al-Sunan al-Kubra, edited by Hassan Abdul Moneim Shalabi, Beirut: Al-Risalah Foundation.
- Nawawi, Yahya bin Sharaf (1972). Al-Manhaj fi Sharh Sahih Muslim bin Al-Hajjaj, Beirut: Dar Ihiya al-Turath al-Arabi.
- Numairi, Omar bin Shuba (1996). Tarikh al-Madinah al-Munawarah, Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Nuwairi, Ahmed bin Abd al-Wahhab (2003). Nahayah of Erab in the literature of literature, by the efforts of Mufid Qomhia and Jama'ah, Beirut: Dar al-Katb al-Elamiya.
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad (1985). Al-Jamee Laahkam Al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosrow Publications.
- Razi, Abd al-Rahman bin Abi-Hatam (1952 AD). Al-Jarh and Al-Tadail, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Samhoudi, Ali bin Abdullah (1998). Al-Wafa al-Wafa be Akhbar Dar al-Mustafa, Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyah.
- Seyyed Razi, Muhammad bin Hossein (1993). Nahj al-Balagha, Qom: Hijrat.
- Shahid Thani, Zain al-Din bin Ali Amili (1995). Masalek al-Ifham, Qom: Islamic Encyclopaedia Foundation.
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad (1985). Al-Mu'jam al-Kabeer, by Hamdi Abd al-Majid al-Salafi, no place: Dar ihiya al-Turath al-Arab.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1939). Al-montakhab Men Dheyl-ul-Muzhil Men Tarikh Sahabah and Al-Taabiyah, Beirut: Est. Al-Alami for Press.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1967). Tarikh al-Rasul wa al-umame wa al-Muluk, research of Muhammad Abolfazl Ibrahim, Beirut: Dar al-Tarath.
- Thaqafi Kofi, Ibrahim bin Muhammad (1974). Al-Gharat, by the efforts of Jalal al-Din Hosseini urmawi, Tehran: National Art Association.
- Tirmidhi, Muhammad bin Isa (1998). Sunan al-Tirmidhi, by Bashar Awad Ma'rouf, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.
- Waqidi, Muhammad bin Omar (1989). al-Maghazi, Beirut: Alami.
- Yaqoubi, Ahmad bin Abi Yaqoob (no data). Tarikh al-Yaqoubi, Beirut: Dar al-Sadir.
- Yaqut Hamawi, Yaqut bin Abd Allah (1995). Mujam Al-Boldan, Beirut: Dar al-Sadir.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1979). Asas al-Belaghah, Beirut: Dar al-Sadir.